



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی تعلیمات عمومی

ریاست تعلیمات همگانی

پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

ما لودمان آینده افغانستان هستیم



مرکز هماهنگی امور ماین پاک افغانستان



UNMAS

www.mineaction.org

سپاسگزاری

پالیسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل در واقع رویکردی است برای برآورده ساختن نیازهای آموزشی همه شاگردان شامل در نظام معارف که مقصد آن ایجاد ساختارهای به حد کافی مفید می باشد تا به تک تک نیازمندیهای شاگردان دارای پیشینه های متفاوت در مکتب و صنف درسی شان رسیده گی صورت گیرد. وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان از همکاری های بی شائبه تمام نهاد های دولتی و غیردولتی داخلی و خارجی که اسامی شان ذیلاً تذکر یافته اند اظهار سپاس و امتنان نموده و همکاری های مسلکی و تخصصی ایشان را در راستای تدوین پالیسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل، منحصیث یک پالیسی تسهیل کننده تعلیمات برای همه، در خور تقدیر و ستایش می داند.

وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین

STESE2-JICA

مرکز هماهنگی امور مابین پاکستان افغانستان — MACCA

مؤسسه خدمت برای افغانستان SERVE

کمیته سویدن برای افغانستان SCA

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO)

صندوق بین المللی کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)

... و تمام اعضای جلسه هماهنگی تعلیمات فراگیر

با اغتنام از فرصت، وزارت معارف یکبار دیگر از مساعی بی دریغ مراجع مذکور قدردانی نموده و متوقع است تا همکاری های ایشان در راستای پیشبرد پالیسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل ادامه یابند.

با احترام



فاروق وردک

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

سنبله 1393

فهرست مندرجات

3 مخففات
4 پیشگفتار
5 معرفی
7 بخش نخست ، عمومیات در باره پالیسی
15 بخش دوم ، نظارت و ارزیابی
22 بخش سوم ، صرفه جویی / عملکرد اقتصادی
29 بخش چهارم ، ارتقای ظرفیت
31 بخش پنجم ، میکانیزم هماهنگی
37 ضمیمه (کودکان با استعداد و نخبه)
39 منابع / پالیسی ها و مآخذ مربوطه برای معلومات بیشتر:

مخففات (لست نهادها و موسساتی که شامل جلسات هماهنگی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل اند، به شمول بعضی از اصطلاحات تعلیمات فراگیر)

مخفف	شکل مشروح
ANAD	انجمن ملی نایینایان
ASL	زیان اشاره افغانی
CBR	بازتوانی مبتنی بر جامعه
CP	فلج دماغی
CRCD	کمیته بازتوانی اشخاص دارای معلولیت به سطح محل
CwID	اطفال دارای معلولیت دماغی
DoMoE	ریاست معارف
DoMoLSAMD	ریاست کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین
DPO	نهاد اشخاص دارای معلولیت
EMAD	پروژه افغانی توانمند سازی و بسیج اشخاص دارای معلولیت
ER	زون شرق
FW	کارمند ساحوی
GoA	حکومت افغانستان
HBT	برنامه آموزش خانگی
HI	اشخاص دارای معلولیت شنوایی
HNI	شبکه بین المللی صحت
ICRC	کمیته بین المللی صلیب سرخ
IRC	کمیته بین المللی نجات
IRP	پلان بازتوانی فردی
ISAF	قوای بین المللی معاونت امنیت
JICA	اداره همکاری های بین المللی جاپان
MoE	وزارت معارف
NGO	موسسه غیر دولتی
TTC	دارالمعلمین
MACCA	مرکز هماهنگی امور مابین پاکستان افغانستان
UNMAS	خدمات مابین پاکستان ملل متحد
STESE2	تقویت تعلیمات معلمان راجع به تعلیمات نیازمندی های خاص (مرحله دوم)
CCD	مرکز اجتماعی معلولین
FWF	موسسه بهزستی خانواده
MoLSAMD	وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین
IE	تعلیمات فراگیر
SE	تعلیمات خاص
I&CFE-CWG	گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

پیشگفتار

پالیسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل توسط وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان با همکاری همه جانبه وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل و سایر مراجع ذیدخل تهیه گردیده است. سند حاضر به ادامه نیازسنجی که در سال 2009 صورت گرفته است آماده گردیده و با دست اندرکاران حکومتی و غیر حکومتی کمک خواهد نمود تا اقدامات هماهنگ، سیستماتیک و مؤثر را در راستای ارائه تعلیمات با کیفیت برای همه در افغانستان رویدست گیرند. بدین ترتیب، وزارت معارف اذعان میدارد تا زمانی که تمام مکاتب از ویژه گی فراگیر بودن و دوستدار طفل بودن برخوردار نگردند، تعلیمات با کیفیت برای همه مقدور نخواهند بود.

چنانچه در سالهای پسین موضوع و مفکوره تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل اهمیت بیشتری کسب نموده است، افغانستان نیز منحنی عضو سازمان ملل متحد با جامعه جهانی تعهد نموده است تا تمام اطفال افغانستان را که در سن مکتب قرار دارند الی سال 2020 تحت پوشش مکاتب قرار دهد. روی این ملحوظ در سال 2013 وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان سعی نمود تا به تعداد 10.5 میلیون شاگرد را شامل مکاتب سازد. علاوه بر آن، از سایر دست آورد های وزارت معارف میتوان به تدوین پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل اشاره نمود.

هدف این پالیسی عبارت از ایجاد پروسه تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل به مقصد تقویت ظرفیت سیستم معارف است؛ تا باشد تمام شاگردان تحت پوشش آن قرار گرفته و بدین ترتیب به حیث یک استراتژی کلیدی به منظور تحقق شعار "تعلیم برای همه" عرض اندام نماید. پالیسی مذکور بالای گسترش و بهبود تعلیمات فراگیر در سنین پایین طفولیت به گونه ای که مناسب حال اطفال باشد تمرکز می نماید؛ به ویژه برای اطفال آسیب پذیر و بی بهره؛ اطفال دارای معلولیت و مزید بر آن زمینه شمولیت در مکتب را برای اطفالی که به مکتب نمی روند نیز مساعد می سازد. ترویج تعلیمات فراگیر در واقع به معنای تحریک و تشویق نمودن سلوک و رفتار های مثبت و بهبود روند تعلیم و تربیه و محیط مربوطه آن می باشد. قابل ذکر است اینکه پالیسی مذکور نه تنها منحصر به تعلیمات عمومی بوده بلکه تمامی برنامه های وزارت معارف را احتوا مینماید و نیز تغییراتی را در نصاب تعلیمی نافذه ببارنمی آورد.

جا دارد از همکاری های تخصصی وزارت معارف، STESE2-JICA، مرکز هماهنگی امور ماین پاکی افغانستان، اعضای گروپ کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل و سایر وزارت ها و نهاد های ذیدخل که مشترکاً برای نهایی سازی این پالیسی کار کرده اند، ابراز سپاس و امتنان نماییم.

امیدواریم این پالیسی با درنظرداشت نیازمندی ها از طرف وزارت معارف به منصفه اجراء قرار داده شود.

معرفی

مفکوره و عملکرد تعلیمات فراگیر در سالهای اخیر اهمیت بسزایی را کسب نموده است. این اصطلاح در سراسر جهان به گونه عام به معنای اصلاحات حامی و طرفدار تنوع میان تمام شاگردان استعمال می گردد.¹ تعریف حکومت افغانستان از تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل قرار ذیل است: "پالیسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل عبارت از پالیسی است که اطمینان حاصل نمایند که همه اطفال آسیب پذیر به گونه مساوی و قطع نظر از جنسیت، سن، توانایی ها، معلولیت ها، وضعیت صحتی، شرایط و حالات و همچنان بدون در نظر داشت پس منظر اجتماعی - اقتصادی، قومی و زبانی شان به تعلیم و تحصیل دسترسی داشته باشند." (JSR, 2012: 10)

گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل در بهار سال 2008 در افغانستان تشکیل گردید. اعضای گروه کاری مذکور در سال 2009 روی کارشویه ها برای تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل برای افغانستان به توافق رسیدند. اعضای گروه کاری موافقه نمودند که لازم است که پالیسی تدوین گردد تا یک چارچوب نظری و عملی را برای مکاتب دوستدار طفل در چوکات وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان ارائه نماید. بدین ترتیب، روند تدوین پالیسی در سال 2013 آغاز گردید. پالیسی مذکور با رعایت احکام اسناد تقنینی ذیل تدوین گردید:

1. کنوانسیون حقوق طفل سازمان ملل متحد (سازمان ملل متحد، سال 1989)
2. اعلامیه جهانی تعلیم برای همه (سازمان ملل متحد، سال 1990)
3. بیانیه و چارچوب کاری سلامانکا (یونیسکو، سال 1994)
4. چارچوب کاری داکار (یونیسکو، سال 2000)
5. اهداف انکشافی هزاره (اهداف انکشافی هزاره، سازمان ملل متحد، سال 2000)
6. کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت سازمان ملل متحد (سازمان ملل متحد، سال 2006)

هرچند افغانستان در فهرست شاخص انکشاف بشری (HDI) در میان 186 کشور در رده یکصد و هفتاد و پنجم قرار دارد، اما با آن هم در طول ده سال گذشته در عرصه معارف دست آورد های قابل توجهی داشته است.² علی الرغم چالش های چون جنگ و ویرانی های بیش از سی سال، خشکسالی و کتله عظیم بیجا شده گان داخلی، باز هم تعداد مشمولین مکاتب در سال 2012 به 8.6 میلیون شاگرد رسید. مع الوصف، هنوز هم به تعداد 3.5 میلیون طفل دیگر در این کشور وجود دارند که در حال حاضر به مکتب نمی روند.³

در سروی ملی افراد دارای معلولیت در افغانستان (NDSA) تخمین گردید که 37.5% تمام اطفال بین سنین 7 الی 13 سال در افغانستان از حضور در مکاتب رسمی محروم اند.⁴ همچنان برآورد گردید که صرف 32% اطفال دارای معلولیت بین سنین 7 الی 13 سال در مکاتب رسمی شامل گردیده و صرف 48% دختران مکتب می روند. 5 ارقام فوق الذکر در بر گیرنده اطفال دارای معلولیت نیز بوده و علاوه بر آن شامل تعداد کثیری از اطفال بزرگ سن که در مکاتب ابتدائیه درس می خوانند نیز میشوند. روی این ملحوظ، ایجاد می کند که هم حکومت و هم مکاتب و مردم محل با پدیده محرومیت اطفال از نعمت تعلیم مبارزه نمایند. بناً لازم است تا تمام مکاتب در افغانستان به مکاتب فراگیر و دوستدار طفل مبدل گردند. در مکاتب فراگیر اطفال می توانند مطابق به توانایی های خود شان بیاموزند و میتوانند به رشد دلخواه آکادمیک، اجتماعی، احساسی و فزیکایی نایل

1 جی. کوگیلماس. 2004 فرهنگ شمولیت چیست؟ دانشکده معارف و انکشاف بشری دانشگاه بنگامتون، ایالات متحده امریکا.

2 درجه بندی شاخص انکشاف بشری. اقتباس به تاریخ 28 اکتوبر 2013 از

http://hdr.undp.org/hdr4press/press/outreach/figures/HDI_Trends_2013.pdf

3 ریاست پلاننگاری استراتژیک وزارت معارف. 2013. پلان استراتژیک ملی تعلیمی. افغانستان.

4 سروی ملی افراد دارای معلولیت در افغانستان، اقتباس به تاریخ 28 اکتوبر 2013 از

http://www.unescap.org/stat/meet/widism4/session4_NDSA_Handicap_Inst.pdf

⁵ Ibid.

آیند. بدین ترتیب تعداد بیشتر اطفال شامل مکاتب خواهند شد تا به شهروندان باسواد کشور مبدل گردیده و برای رفاه جامعه مفید واقع گردند.

نقش حیاتی تعلیم و تحصیل (از سویه ابتدائیه الی عالی) در شکل دهی آینده افغانستان در تمام اسناد عمده پالیسی و استراتژی به شمول اسناد ذیل تسجیل گردیده است: قانون اساسی افغانستان، استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS)، اهداف انکشافی هزاره (MDSs)، اهداف تعلیمات برای همه (EFA)، قانون معارف و پلان استراتژیک ملی تعلیمی (NESP-3). قانون اساسی سال 2004 حق دسترسی همه اطفال و جوانان به تعلیم را به گونه مساویانه ضمانت می کند. همچنان حق تعلیم برای تمام افغانها در قانون معارف که در 24 جولای سال 2008 نشر گردیده است نیز صراحت دارد.. قابل تذکر است که وظایف ریاست تعلیمات فراگیر با وظایف سایر نهادها و ادارات معارف در تداخل نمی باشند.

ریاست تعلیمات عمومی وزارت معارف مساعی بی شائبه را جهت جمع آوری نظریات تمام دست اندرکاران در رابطه با این پالیسی به خرج داد، اما به علت محدودیت زمانی و عدم حضور شان در جلسات کمیته گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل، در گردآوری تمام نظریات توفیق نیافتیم. هرچند هر پالیسی بعد از سپری شدن یک مدت زمان تعدیل شده می تواند، ما دیده به راه نظریات شما در راستای غنای غنای هرچه بیشتر این پالیسی خواهیم بود.

بخش نخست، عمومیات در باره پالیسی

عمومیات در باره

پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

مقصد پالیسی

مقصد پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل این است که تمام مکاتب در افغانستان فراگیر و دوستدار طفل گردیده و به نیازهای شاگردان پاسخگو باشند. این پالیسی مخالف محرومیت بوده و تنوع را ترویج می نماید. روی این ملحوظ، ایجاب می کند که هم حکومت و هم مکاتب و مردم محل با پدیده محرومیت اطفال از مکاتب عامه مبارزه نمایند. در مکاتب فراگیر اطفال می توانند مطابق به توانایی های خود شان بیاموزند و میتوانند به رشد اعظمی اکادمیک، اجتماعی، احساسی و فیزیکی نایل آیند. این رویکرد اطفال بیشتر را قادر خواهد ساخت تا به مکتب رفته و از تعلیمات با کیفیت مستفید گردند. طبق یافته های سروی که در سال 2008 با حمایت مالی و تخنیکی یونیسکو اجرا گردید، اطفالی که در داخل سیستم معارف از ناحیه محرومیت ها بیشتر آسیب پذیر می باشند قرار ذیل اند:

1. اطفالی که از حوادث اضطراری متضرر گردیده اند
2. اطفالی که از مواد مخدر متاثر گردیده اند
3. اطفال متعلق به خانواده های بی بضاعت
4. اطفال دارای معلولیت
5. اطفال متعلق به اقلیت های قومی، زبانی اجتماعی و مذهبی
6. اطفال متخلف از قانون و زندانی
7. اطفال کوچی
8. اطفالی که دور از مکاتب زنده گی میکنند - در قریه جاتی که مکاتب وجود ندارند
9. اطفال بی خانمان / اطفال که در روی سرک ها زنده گی می کنند
10. دختران
11. اطفال کارگر
12. اطفال که مورد بی توجهی یا سوء استفاده قرار گرفته اند
13. اطفال با استعداد *

منطق تعلیمات فراگیر

ایجاد یک اجتماع فراگیر که در آن به همه اشخاص خیر مقدم گفته شده و در امور جامعه نقش فعال داشته باشند. لازم است تعلیمات فراگیر در تمام سطوح جامعه به شمول مکاتب حکومتی آغاز گردند. برای مدت های مدیدی افراد از تعلیم و تحصیل محروم مانده، تبعیض در جامعه بیداد نموده، افراد مورد رفتار غیر عادلانه قرار گرفته و از نقطه نظر اجتماعی، احساسی، فیزیکی و اقتصادی متحمل رنج ها و آلام گردیده اند. تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل تمام اطفال 13 کتگوری را بعد از آموزش ابتدایی شامل تعلیمات عمومی می نماید:⁶

حقوق بشر

1. همه اطفال حق دارند تا مشترکاً با هم بیاموزند.
2. اطفال را نباید از طریق محروم ساختن یا به انزوا راندن به سبب معلولیت شان کم ارزش جلوه داده و یا علیه شان تبعیض روا داشت.
3. افراد بالغ دارای معلولیت، که محکوم به حضور در مکاتب خاص بوده اند، خواهان پایان تبعیض و جدایی هستند.
4. بنابر هیچ دلیلی ایجاب نمی کند که اطفال را برای مقاصد آموزشی از هم جدا سازیم. هرگاه اطفال با هم باشند همه از منافع آن مستفید می شوند. هیچ ضرورتی نیست که اطفال از همدیگر حفاظت شوند.

⁶ مرکز پالیسی بشری. اقتباس به تاریخ 13 نوامبر 2013 از <https://www.google.com/search?output=search&client=psy-ab&q=justification+for+inclusive+education&btnK=#>

تعلیم و تحصیل خوب

5. نتایج تحقیقات نشان داده است که هرگاه باهم یکجا باشند از لحاظ علمی و اجتماعی عملکرد خوبتر میداشته باشند.
6. هیچ نوع آموزه یا مراقبتی وجود ندارد که صرف در صورت جدا بودن اطفال ارائه شده بتوانند، اما در صورت یکجا بودن شان ارائه شده نتوانند.
7. با در نظر داشتن تعهد و حمایت، تعلیمات فراگیر در واقع متضمن استفاده مؤثر از منابع آموزشی میباشد.

حس اجتماعی برتر

8. جدایی به اطفال درس ترسیدن، جهالت و تعصب را می دهد.
- همه اطفال به تعلیماتی ضرورت دارند که با ایشان کمک نماید تا روابط ایجاد نموده و آنها را به زنده گی در محیط همه شمولآماده سازد.
9. صرف یکجا بودن میتواند باعث کاهش ترس و ایجاد دوستی ها، احترام و درک متقابل گردد.

نصاب درسی فراگیر

یک نصاب درسی فراگیر مهارت های شناختی، اجتماعی و خلاقیت های اطفال را پرورش میدهد و بنیاد آن بالای چهار پایه تعلیمات برای قرن بیست و یکم، یعنی فراگرفتن به منظور فهمیدن، انجام دادن، بودن و یکجا زنده گی کردن استوار است؛ و نقش مهمی را در تقویت حس تحمل و حقوق بشر بازی نموده و منجر به حل اختلافات فرهنگی، دینی، جنسیتی و غیره میگردد. یک نصاب درسی فراگیر جنسیت، هویت فرهنگی و سابقه زبانی را مطرح نظر قرار می دهد و مشمول سنت شکنی ها نه تنها در عرصه کتب درسی بلکه مهم تر از آن در روش ها و توقعات میگردد. به کار گیری رویکرد های چند زبانی در روند آموزش در مطابقت با حکم قانون اساسی که در آن زبان جزء لاینفک هویت فرهنگی شاگرد شناخته شده است، می تواند به حیث یک وسیله باهم بودن عمل نماید. در حال حاضر به تعداد 48 کتاب درسی به زبان های دیگر کشور غیر از دری و پشتو (ازبکی، نورستانی، پشه یی، بلوچی، ترکمنی، شغنانی، گوجری و واخانی) برای اطفال متعلق به اقلیت های زبانی از صنف اول الی ششم آماده گردیده اند که به زودی به چاپ رسیده و توزیع خواهند گردید.⁷ نتایج مطالعات متعددی که روی باشنده گان بومی صورت گرفته اند نشان می دهند که استفاده از زبان خانگی طفل در بلند بردن سطح سواد به همان زبان و همچنان به زبان های رسمی کشور نقش مهمی را ایفا نموده و همچنان در بدست آوردن موفقیت ها در علوم مختلف ممد واقع می گردد.⁸

استفاده از یک رویکرد فراگیر در پالیسی نصاب درسی دارای مزیت های ذاتی بوده و میتوان آن را نظر به ضرورت های مختلف عیار ساخت تا هر کس از مزایای تعلیمات با کیفیت در سطح ابتدایی که مورد پذیرش عامه قرار دارد، مستفید گردد. رویکرد فراگیر پالیسی نصاب درسی می پذیرد که در حالیکه هر یک از دانش آموزان نیازمندی های متعددی را دارا می باشند — به ویژه کسانی که آسیب پذیر یا محرومیت کشیده اند — باید همه از مزایای تعلیمات با کیفیت در سطح ابتدایی که مورد پذیرش عامه قرار دارد مستفید گردند. این حقیقت ضرورت برای یک نصاب درسی درخور نیازمندی های دانش آموزان را که توسط شیوه های انعطاف پذیر تدریس می گردد، برجسته می سازد.

نصاب های درسی، کتاب های درسی و مواد آموزشی قابل قبول در ایجاد مکاتب برای همه نقش کلیدی را بازی می کنند. بسیاری از نصاب های درسی طراحی شده اند که از تمام شاگردان توقع دارند تا عین چیز ها را در عین زمان و با استفاده از عین شیوه ها و ابزار بیاموزند. اما حقیقت این است که شاگردان از هم متفاوت بوده و دارای توانایی ها و نیازمندی های متفاوت می باشند. بنابراین بسیار ضروری است که نصاب درسی به اندازه کافی انعطاف پذیر باشد تا امکانات عیار ساختن آن مطابق به نیازمندی های فردی وجود داشته باشد، و نیز معلمان را تحریک نماید تا راه حل هایی را جستجو نمایند که در خور نیازمندی ها، توانایی ها و شیوه های یادگیری هر یک از شاگردان باشند. این امر در خصوص انکشاف و تمرین فعالیت های آموزشی برای جوانان و افراد مسن اهمیت بسزایی دارد.

7 ریاست پلاننگاری استراتژیک وزارت معارف. 2013. پلان استراتژیک ملی تعلیمی (NESP3). افغانستان.

8 تعلیم و تحصیل. بانک جهانی. 2005. یادداشت های اید. به زبان خودشان... تعلیمات برای همه. اقتباس به تاریخ 16 نوامبر 2013 از:

https://www.google.com/search?client=safari&rls=en&q=EdNotes_Lang_of_Instruct.pdf&ie=UTF-8&oe=UTF-8

قانون اساسی افغانستان ترویج زبان های محلی را تشویق میکند. در یک رویکرد فراگیر، افرادی که زبان مادری شان دری یا پشتو نیست تعلیمات ابتدایی خود را حد اقل برای سه سال به زبان مادری شان فرا می گیرند، اما در عین زمان زبان های رسمی را نیز می آموزند و به تدریج زبان تدریسی شان از زبان مادری به زبان های رسمی تغییر می کند. در جریان همان سالهای نخست تحصیل نصاب درسی باید به زبان مادری وجود داشته و مرتباً انکشاف داده شود.

پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

۱. برنامه های آگاهی دهی و پالیسی سازی

- 1 وزارت معارف مواد آگاهی دهی راجع به تعلیمات فراگیر را برای اطفال، والدین، مردم محل، عالمان دین، مسوولان معارف و صحت، قوه مقننه و سایر دست اندرکاران کلیدی تهیه خواهد نمود.
- 2 وزارت معارف حق تحصیل دختران را با همکاری همه وزارت های سکتوری و گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر برای عالمان دین، رهبران محلی و بزرگان خانواده ها تبلیغ خواهد نمود.
- 3 وزارت معارف تعدادی از معلمان و سرمعلمان را پیرامون موضوع تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل آموزش خواهد داد.
- 4 وزارت معارف تعدادی از معلمان را در مورد زبان اشاره و رسم الخط بریل در مرکز و ولایات آموزش خواهد داد.
- 5 ریاست تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل یک تعداد ماستر ترینان را آموزش داده و آنها را با خود خواهد داشت.
- 6 وزارت معارف مقالاتی را به صورت ماهوار راجع به تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل نوشته و در روزنامه های مطرح کشور به چاپ خواهد رسانید.
- 7 وزارت معارف با همکاری تلویزیون تعلیمی و تربیتی برنامه های هفته وار و ماهانه را جهت ترویج تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل تهیه و نشر خواهد نمود. همچنان گروه های اطفال دارای معلولیت را دعوت خواهد نمود تا راجع به توانایی ها و نیازمندی های شان حرف بزنند، تا بدین وسیله توجه به جانب ایشان جلب گردیده و اقدامات مقتضی برای کمک با آنها اتخاذ گردند.
- 8 مطالب ذیربط که با فرهنگ افغانستان سازگاری داشته باشند به زبان های دری و پشتو ترجمه گردیده و به ریاست های ذیربط توزیع خواهند گردید.

۲. گسترش ساحه پوشش تعلیمات

- 1 وزارت معارف تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل را در صنوف و پروگرام های آماده گی مکتب نیز ترویج خواهد نمود.
- 2 وزارت معارف حین اعمار تعمیر مکاتب، دسترسی اطفال دارای معلولیت و دختران به آنها را مد نظر خواهد داشت.
- 3 وزارت معارف و سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط در دهکده ها و قریه جات سراسر کشور مجتمع های آموزشی بیشتری را ایجاد خواهند نمود. وزارت معارف به تقویت مجتمع های آموزشی موجوده خواهد پرداخت و اطمینان حاصل خواهد نمود که آنها تمام شاگردان را قطع نظر از توانایی ها و سابقه شان با آغوش باز بپذیرند و نیز تدابیر لازم را جهت رفع نیازمندی های آموزشی خاص و انفرادی شاگردان رویدست گیرند.
- 4 وزارت معارف و سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط مکاتب رسمی جدید را در مناطق مختلف به خصوص مناطقی که از مکاتب موجوده فاصله دارند تاسیس خواهند نمود؛ و همچنان مکاتب غیر رسمی محلی را به مکاتب رسمی ارتقا خواهد داد، در ساحاتی که تعلیم مختلط امکان نداشته باشد برای دختران مکاتب جداگانه اعمار خواهد کرد.
- 5 برای اطفالی که در محدودیت به سر می برند تعلیمات رسمی چند صنفی (مطابق به نصاب درسی) در نظر گرفته خواهد شد.
- 6 برای اطفالی که به کار مشغول هستند یک برنامه آگاهی دهی رویدست گرفته خواهد شد. این پروگرام در ابتدا به گونه آزمایشی در 12 مکتب کابل راه اندازی خواهد گردید.

7. یک رویکرد همه جانبه در قبال انکشاف در سنین مقدم طفولیت (ECD) در پروگرام های تعلیمی و صحی فعلی اختیار خواهد گردید.
8. به اساس این سیستم شاگردان خواهند توانست تا در صنف های تصویب شده در یک مرکز یا مکتب ثبت نام نموده و هر زمانی که از کار در بیرون یا خانه فارغ می شوند درس بخوانند و در امتحان سالانه در همان مرکز یا مکتب حاضر شوند. بعد از کامیاب شدن در تمام مضامین ضروری چنین شاگردان به صنف بعدی ارتقا خواهند یافت.
9. امکانات تحصیل از راه دور برای تمام شاگردان از طریق انترنت مهیا خواهد گردید.

۳. نصاب درسی، امتحانات و سیستم ارزیابی

1. وزارت معارف و سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط یک قاموس بصری (ویدیویی) زبان اشاره را آماده ساخته و آن را به مکاتب فراگیر و دارالمعلمین ها معرفی خواهند نمود.
2. وزارت معارف و سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط برای شاگردان صنف چهارم و بالاتر از آن یک مضمون جدید را معرفی خواهند نمود. این مضمون جدید "معلومات محلی" نام خواهد داشت. آنچه شاگردان در این مضمون خواهند آموخت توسط ولایت یا ولسوالی مربوطه تعیین خواهد شد تا تحصیلات بیشتر جوابده نیازمندی های شاگردان و مردم محل گردند. محتوای مضمون معلومات محلی میتواند زراعت، آشپزی، عنعنات محلی در خصوص غذا و تغذی، اقتصاد و ایجاد صنایع کوچک، محافظت از محیط، فرهنگ محلی، تاریخ محلی، کوهنوردی، شاعری، داستان سرایی وغیره باشد.
3. وزارت معارف و سایر وزارت ها و نهاد های ذیربط سیستم های امتحانات و ارزیابی فراگیر و دوستدار طفل را برای دوره های ابتدایی و متوسطه ایجاد خواهند نمود. این رویکرد باعث کاهش تعداد شاگردانی خواهد شد که همه ساله از مکاتب اخراج میشوند یا ناکام می مانند.
4. مضامین صنوف اول الی سوم به زبان های اقلیت ها آماده خواهند شد. گوینده گان زبان های مذکور در این پروسه دخیل خواهند بود.

۴. آموزش استادان - پوهنتون های دارای فاکولته تعلیم و تربیه

1. نصاب درسی فعلی مقطع لیسانس در معلولیت شنوایی و معلولیت بینایی با همکاری تخریکی گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر تجدید خواهد گردید.
2. لست مفاهیم و اصطلاحات مربوط به معلولیت و تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل تهیه خواهد گردید.
3. تنوع پذیری - یک جعبه ابزار برای ایجاد محیط های تعلیمات فراگیر و آموزش پسند برای تمام برنامه های آموزشی معرفی خواهد شد.
4. از آنجایکه وزارت معارف مسولیت فراهم سازی تعلیم و تربیه را الی دوره بکلوریا به عهده دارد، بدین منظور پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل باید با وزارت تحصیلات عالی شریک گردد تا نکات مهم این پالیسی در نصاب درسی وزارت تحصیلات عالی در نظر گرفته شوند.
5. به منظور ارتقای ظرفیت اعضای ارشد فاکولته های پوهنتون تعلیم و تربیه کابل برنامه های اجرا خواهند گردید. برنامه های مذکور شامل یک سلسله لکچر ها توسط استادان و پروفیسوران مهمان خواهد بود.
6. تمام برنامه های آموزش معلمان شامل کورس های تعلیمات فراگیر خواهند بود.
7. پوهنتون های دارای فاکولته تعلیم و تربیه به تدریج پروگرام های ماستری را آغاز خواهند نمود.
8. نصاب های درسی برای کورس های کوتاه مدت برای ترجمانها و معلمان زبان اشاره تهیه خواهند گردید. کورس های مذکور تحت رهبری مرکز ملی تربیه معلم، دارالمعلمین و یا هم توسط فاکولته آموزش های خاص پوهنتون تعلیم و تربیه کابل با همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر تدویر خواهند گردید.

۵. آموزش معلمان (به سطح ملی و ولایتی) همچنان برنامه های آموزشی برای معلمان از طرف سایر دست اندرکاران

- 1) بسته ابزار محیط فراگیر و دوستانه ILFE، که متکی بر مفاهیم تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل تهیه گردیده است، در دسترس برنامه های تربیه معلمان قرار داده خواهد شد.
- 2) برنامه های جامع ارتقای ظرفیت اساتید مراکز تربیه معلم در خصوص تعلیمات فراگیر با استفاده از بسته ابزار محیط فراگیر و دوستانه ILFE به حیث اساس برای قسمت های نخست پروگرام ارتقای ظرفیت، تطبیق خواهند گردید.
- 3) هماهنگی میان تمام برنامه های تربیه معلم و منابع دست داشته آنها در ارتباط با برنامه های تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل که توسط نهاد های عضو گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر سازماندهی می شوند، صورت خواهد گرفت.
- 4) برنامه های تربیه معلم در بر گیرنده صنف هایی پیرامون تعلیمات فراگیر نیز خواهند بود.
- 5) باید اولویت در اشتغال بعنوان معلم در ساحات تحت پوشش وزارت معارف به تمام فارغ التحصیل های که از فاکولته تعلیمات خاص فارغ میگردند، داده شود.

۶. سیستم حمایتی برای اطفال دارای معلولیت و سایر نیازمندی های خاص / انفرادی

- 1) ایجاد (و توسعه) یک مرکز ملی شمولیت و تعلیمات برای افراد دارای نیازمندی های خاص در کابل تحت رهبری وزارت معارف و به همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و پوهنتون تعلیم و تربیه کابل (فاکولته آموزش های خاص). ترجیحاً این مرکز باید دارای بخش های ذیل باشد: ADHD/ADD، اوتیزم، تأخر انکشافی / عقلانی، معلولیت شنوایی، معلولیت فیزیکی، مشکلات در خواندن و نوشتن، مشکلات اجتماعی - احساسی، معلولیت بصری و همچنان بخش تشخیص و مداخله زودهنگام. وظیفه اصلی مرکز ملی مذکور کمک در ایجاد مراکز ولایتی و واحد های آن به سطح ولسوالی، همکاری های تخنیک با وزارت معارف و سایر وزارت های سکتوری، همکاری با برنامه های تربیه و آموزش معلمان در پیوند با شمولیت و تعلیمات برای افراد دارای نیازمندی های خاص، انکشاف مواد درسی و آموزشی و بالاخره هماهنگ ساختن روند توزیع آله های حمایتی به مراکز ولایتی و واحد های ولسوالی خواهد بود.
- 2) ایجاد و توسعه مراکز منابع تعلیمی در ولایات جهت تامین شمولیت و رفع نیازمندی های خاص تعلیمی در 34 ولایت کشور در چوکات وزارت معارف و ادارات ولایتی. ترجیحاً، هر مرکز باید حد اقل 3 الی 4 کارشناس داشته باشد که در امور افراد دارای معلولیت از تخصص کافی برخوردار باشند. کارشناسان مذکور معلمان را در مسایل مربوط به معلولیت، ارزیابی و رشد متداوم مسلکی یاری خواهند رسانید.
- 3) ایجاد (و توسعه) مراکز ولایتی شمولیت و تعلیمات برای افراد دارای نیازمندی های خاص در تمام 34 ولایت کشور در چوکات وزارت معارف و ادارات ولایتی و به همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل (فاکولته آموزش های خاص) و همچنان هر پوهنتون دارای فاکولته های تعلیم و تربیه و صحت در ولایات مربوطه. ترجیحاً هر مرکز باید حد اقل دارای 3 یا 4 کارشناس برای بخش های ذیل باشد: ADHD/ADD، اوتیزم، تأخر انکشافی / عقلانی، معلولیت شنوایی، معلولیت فیزیکی، مشکلات در خواندن و نوشتن، مشکلات اجتماعی - احساسی، معلولیت بصری و همچنان بخش تشخیص و مداخله زودهنگام. وظیفه اصلی مراکز ولایتی حمایتی واحد های ولسوالی ها و همچنان معلمان و اطفال مکاتب خواهد بود.
- 4) ایجاد (و توسعه) واحد های حمایتی ولسوالی ها جهت تعلیمات فراگیر برای افراد دارای نیازمندی های خاص در تمام 445 ولسوالی کشور در چوکات وزارت معارف و ادارات ولایتی و ولسوالی و به همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر. ترجیحاً هر مرکز باید حد اقل دارای 2 کارشناس برای بخش های ذیل باشد: ADHD/ADD، اوتیزم، تأخر انکشافی / عقلانی، معلولیت شنوایی، معلولیت فیزیکی، مشکلات در خواندن و نوشتن، مشکلات اجتماعی - احساسی، معلولیت

بصری و همچنان بخش تشخیص و مداخله زودهنگام. وظایف اصلی واحد های حمایتی ولسوالی ها را کمک با معلمان و شاگردان مکاتب و توزیع کتابهای خط بریل و وسایل حمایتی و متحرک کننده تشکیل خواهد داد. واحد های حمایتی ولسوالی ها در امور مغلق و همچنان به منظور ارتقای ظرفیت مسلکی و نظارت و ارزیابی از مراکز ولایتی استمداد خواهند جست.

۷. تهیه آله های کمکی با قیمت پایین

آله های کمکی دارای قیمت پائین که در داخل کشور ساخته شوند برای اطفال ، نوجوانان و افراد مسن دارای معلولیت ساخته خواهند شد. همکاری با فاکولته های تکنیکی ویا انجینیری پوهنتون های افغانستان و همچنان نهاد های محلی و کاربران (DPOs) تعمیم خواهد یافت. قرار است کار اخذ قالب گوش و ساختن آله شنوایی مطابق آن نیز در افغانستان آغاز گردد.

۸. زبان درسی

- 1) مطبعه ملی بریل کتب درسی و سایر مواد آموزشی را طبع خواهد نمود.
- 2) معلمانی که به زبان اقلیت ها صحبت می کنند در باره استفاده از زبان مادری شاگردان به حیث زبان درسی آموزش داده خواهند شد.
- 3) یک قاموس جامع زبان اشاره دارای حد اقل 8000 علامت تهیه خواهد گردید. همچنان قاموس کامل زبان اشاره به شکل تصویری نیز تهیه و در سراسر افغانستان توزیع خواهد گردید. این برنامه در فاکولته آموزش های خاص پوهنتون تعلیم و تربیه کابل با همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر راه اندازی خواهد گردید.
- 4) وزارت معارف و گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر یک برنامه تلویزیونی را در مورد زبان اشاره تولید نموده و در تلویزیون تعلیمی و تربیتی به نشر خواهند رسانید.
- 5) نصاب درسی برنامه ماستری برای معلمان و ترجمان های زبان اشاره ساخته خواهد شد. این برنامه در چوکات فاکولته آموزش های خاص در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل با همکاری گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر به پیش برده خواهد شد.
- 6) معلمان و مترجمین زبان اشاره همه ساله از طریق یک برنامه جداگانه به سطح لیسانس تربیه خواهند گردید. تعداد مجموعی معلمان و مترجمین مورد ضرورت برای زبان اشاره بیش از 1000 تن است. لازم است حد اقل دو معلم زبان اشاره در مرکز هر ولایت وجود داشته باشند؛ تا با معلمان زبان اشاره که در ولسوالی ها و مکاتب فعالیت دارند ، و نیز با کسانی که در برنامه های تعلیمی و بازتوانی غیر رسمی مبتنی بر جامعه در ولایت مربوطه مصروف کار اند ، کمک نمایند.

کیفیت در تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

وزارت معارف بدین باور است که تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل باعث بهبود کیفیت تعلیمات برای همه از طریق افزایش تنوع در صنف درسی میگردد. در اثر همکاری میان دست اندرکاران ، هر شاگرد توانایی آنرا حاصل می نماید تا در عرصه علمی بدرخشد. هر شاگرد از توانایی ها و فرصت های منحصر به فرد جهت بهبود برخوردار است و هر شاگرد میتواند در یادگیری شاگرد دیگر ممد واقع گردد. بدین لحاظ ، کارکرد شاگردان عادی توسط سیستم تعلیمی فراگیر نه تنها اینکه تضعیف نمی گردد ، بلکه به غنای آن افزوده می شود. شرایط مذکور اکثراً فرصت های آموزشی اضافی را به ویژه در عرصه های عدالت اجتماعی ، مساوات و غیره به بار می آورند. معلمان می توانند با کسب تجارب و حمایت ، حس اعتماد بالایی توانمندی های خود را پیدا کنند. تنوع سیستم تعلیمات فراگیر باعث غنای تجارب آموزشی گردیده و اهلیت اجتماعی و مهارت های ارتباطات گفتاری برای همه را ارتقا می بخشد.

تنوع چگونه باعث غنای همه میگردد؟

1. هر شاگرد میتواند به گونه منحصر به فرد در آموزش شاگرد دیگر مفید واقع گردد.
2. هر شاگرد نقاط قوت و نیز ضرورت هایی را دارا می باشد.
3. آموزش مؤثر نتیجه تلاش های همگانی در جهت حصول اطمینان از موفق شدن شاگرد می باشد.
4. شایستگی اجتماعی و مهارت های ارتباطی زمانی بهبود می یابند که شاگردان به حاشیه رانده شده در سیستم تعلیمات فراگیر آموزش ببینند.
5. حضور شاگردان محروم و یا بازمانده منحصی حل کننده مشکلات آموزشی و تربیتی فرصت ها و تجارب آموزشی را به وجود می آورد که شاید در غیر آن شامل نصاب درسی نباشند ، به خصوص در عرصه های عدالت اجتماعی ، تعصب ، مساوات و غیره.
6. شاگردانی که محروم نبوده اند از دخیل بودن و داشتن روابط با شاگردان محروم مستفید می شوند.
7. حضور شاگردان محروم در صنف باعث تضعیف کارکرد سایر شاگردان نمی گردد.
8. معلمان بالای توانایی های خود در اثر تجارب و حمایت اعتماد بیشتر پیدا می کنند.

بخش دوم، نظارت و ارزیابی

بخش دوم

نظارت و ارزیابی

نظارت و ارزیابی پالیسی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل

نظارت و ارزیابی پالیسی فراگیر و دوستدار طفل به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد. پیشنهاد می‌شود که مطالب تحت این عنوان با مطالب بخش هماهنگی یکجا مطالعه شوند؛ زیرا این دو بخش با هم ارتباط نزدیک دارند. لازم است این مفاهیم در روشنی پالیسی فراگیر و دوستدار طفل درک گردند تا با دیگر برنامه‌ها و پروژه‌ها مغالطه نشوند. این بخش ابزاربست جهت حصول اطمینان از این که برنامه‌های تعلیمی حکومت و پروژه‌های مشخص در چوکات سیستم معارف نظارت و ارزیابی گردیده و نظریات و پیشنهادات پیرامون آنها جهت بهبود میکانیزم‌های تصمیم‌گیری به وزارت ارائه گردند. این پالیسی بیشتر بالای ایجاد ظرفیت‌ها، چنانچه در مسوده پلان استراتژیک ملی تعلیمی برای افغانستان⁹ و در چارچوب نظارت و ارزیابی – برنامه ظرفیت‌سازی برای وزارت معارف¹⁰ تشریح گردیده است، تمرکز می‌نماید. پالیسی مذکور روی اهمیت کسب نتایج بر مبنای ظرفیت‌های موجود آمده تأکید دارد.

عناصر کلیدی مورد نیاز نظارت و ارزیابی عبارت از معلومات و اطلاعات میباشند. دو اصطلاح (نظارت و ارزیابی) به جمع‌آوری، تحلیل و استفاده از معلومات به منظور اتخاذ تصمیم، اطلاق می‌گردند. در شرایط افغانستان، وزارت معارف با خلای نبود معلومات و اطلاعات مؤثق روبرو می‌باشد. عدم موجودیت معلومات و اطلاعات دقیق بزرگترین چالشی است که مانع تصمیم‌گیری، پالیسی‌سازی و برنامه‌ریزی درست می‌گردد.¹¹ فعالیت‌های نظارتی زمینه را برای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی استراتژیک و بسیج منابع مساعد می‌سازد (Osman I., 2002).¹² "ارزیابی" با بررسی سیستماتیک و به پایه اكمال رسیدن یک برنامه یا پروژه سروکار دارد؛ بالاخره، از آنجائیکه این پالیسی ملکیت حکومت محسوب می‌گردد، نیاز است تا فورمه ارزیابی طرح گردیده و محتوای آن بنا بر نیازمندی زمان تغییر داده شود و نیز نتایج آن باید با سایر برنامه‌ها در سیستم معارف، مراجع تمویل‌کننده و پالیسی‌های ملی پیوند داده شود تا باعث تقویت سیستم‌های عملیاتی روزمره حکومت گردد.

نظارت:

نظارت عبارت از مدیریت یومیه عملیه جمع‌آوری و مرور معلوماتی میباشد که چگونگی پیشرفت یک کار را نشان داده و همچنان بخش‌هایی را که احتمالاً نیاز به اصلاحات داشته باشند بر ملا می‌سازد.¹³ نظارت باید به حیث یک وظیفه دوامدار وزارت معارف تلقی گردد. این وظیفه باید مشتمل بر جمع‌آوری سیستماتیک اطلاعات راجع به شاخص‌های مشخص به هدف آگاهی مقامات عالی و دست‌اندرکاران کلیدی از صورت پیشرفت‌ها و حصول نتایج ناشی از مصرف وجوه اختصاص داده شده باشد.

ارزیابی:

ارزیابی عبارت از بررسی سیستماتیک و منصفانه یک کار، برنامه یا پالیسی به شمول طرح و دیزاین، تطبیق و نتایج آن میباشد. هدف ارزیابی تشخیص ذریب‌بودن، حصول اهداف و همچنان تأمین مؤثریت، مشمریت، سنجش سطح اثرات دست‌یابی به هدف و پایداری است¹⁴. ارزیابی خوب آن است که معلومات مؤثق و قابل اطمینانی را فراهم نماید که وزارت را در اتخاذ تصمیم استراتژیک خویش یاری رساند. قابل تذکر است که هرگاه دلیل مؤجه وجود داشته باشد میتوان ارزیابی را در مراحل مختلف تطبیق یک پروژه اجرا نمود. تا حد امکان گزارش‌های ارزیابی را باید با دیگر شرکای تطبیق‌کننده به منظور انسجام امور و رعایت استراتژی که تمام برنامه‌های تعلیمی وزارت معارف به اساس آن استوار می‌باشند، شریک ساخت. همچنان لازم است تا اطلاعات گزارش‌های ارزیابی در سیستم‌های معلوماتی مدیریت تعلیمات (EMIS) نیز منعکس گردند.

⁹ پلان استراتژیک ملی تعلیمی برای افغانستان ("Overall Strategies") 2010-2014 pg. 120 para.2 (1389-1393)

¹⁰ چارچوب نظارت و ارزیابی – برنامه ارتقای ظرفیت برای وزارت معارف، مسوده اول، مؤرخ جولای 2010. صفحه اول پراگراف دوم، خطوط 1 الی 3 ("سطوح نتایج، بازدهی‌ها و تاثیرات")

¹¹ پلان استراتژیک ملی تعلیمی برای افغانستان (1389-1393/2010-2014 pg. 123 para.1)

¹² کتاب رهنمای نظارت و ارزیابی، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، چاپ اول

¹³ کتاب رهنمای نظارت و ارزیابی، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، چاپ اول، صفحه 14

¹⁴ کتاب رهنمای نظارت و ارزیابی، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، چاپ اول، صفحه 15

مقاصد نظارت و ارزیابی

1. تسریع روند فراهم سازی تعلیمات با کیفیت از طریق یک سیستم به خوبی جا افتاده نظارت و ارزیابی.
2. انکشاف ظرفیت ها در تعلیمات فراگیر در پیوند با نظارت و ارزیابی همه برنامه های تعلیمی در کشور.
3. تاسیس میکانیزم های هماهنگ به منظور جمع آوری ، تحلیل و تفسیر اطلاعات به سطح ملی.
4. استفاده از اطلاعات جمع آوری شده ، تحلیل شده و تفسیر شده جهت ارائه معلومات مورد نیاز برای تصمیم گیری وزارت معارف در تمام امور مربوط به تعلیمات و عرضه خدمات.
5. شریک ساختن معلومات و اطلاعات با مراجع ذیدخل کلیدی ، شرکای کاری و تمویل کنندگان غرض تأمین شفافیت ، حسابدگی و پاسخگویی به نیاز های تعلیمی.

اصول نظارت:

چارچوب نظارت و ارزیابی (پیشنویس نخست – جولای 2010) وزارت معارف بخش های ذیل را تذکر می دهد:

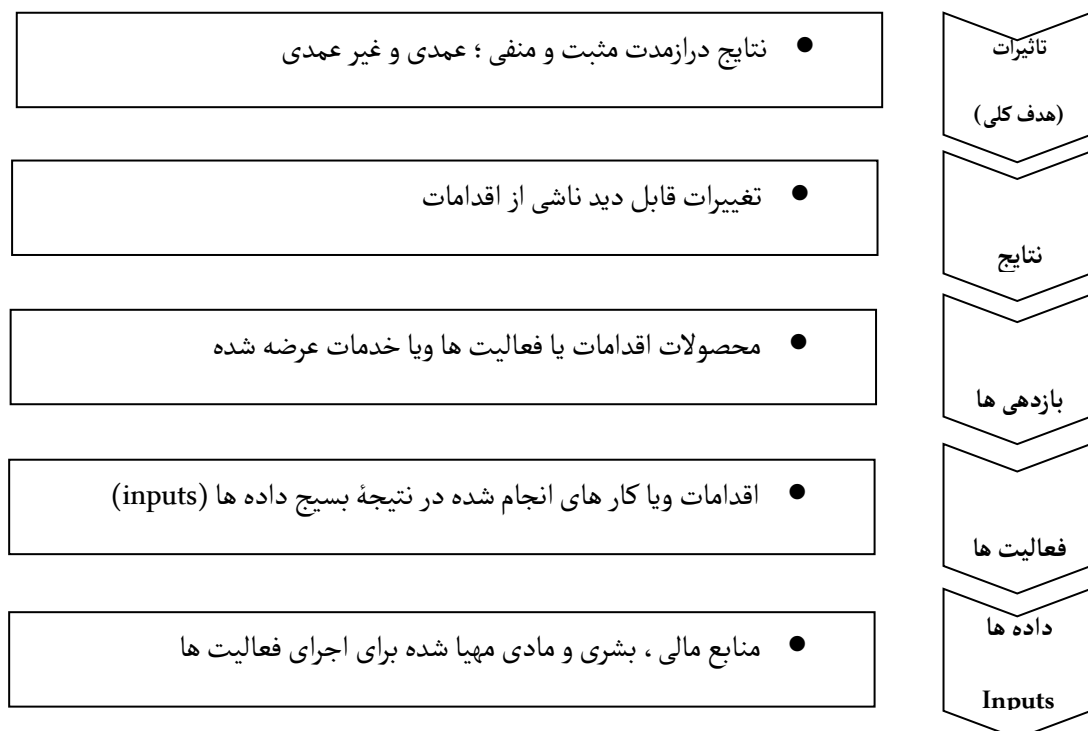
1. چارچوب مدیریتی مبتنی بر نتایج
 2. ابزار نظارت و ارزیابی
 3. ترتیبات مدیریت
- که شرح هر کدام آن قرار ذیل است:

(a) چارچوب مدیریتی مبتنی بر نتایج

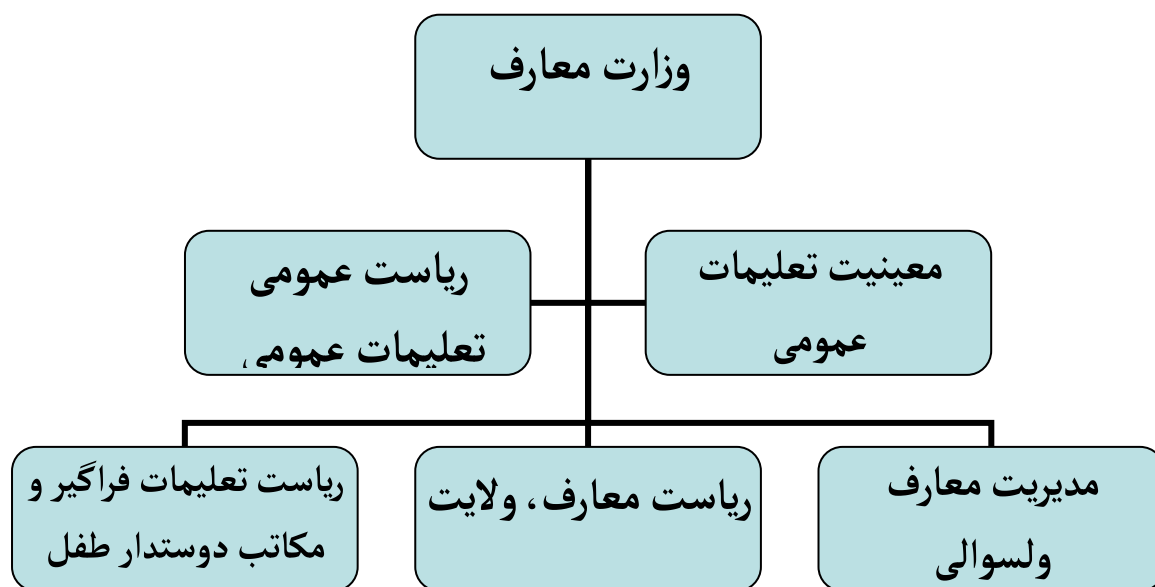
در این چارچوب مهم ترین مسائلی که باید بالای شان تمرکز نمود قرار ذیل اند:

- تعریف نتایج متوقعه به گونه واقعگرایانه ؛
- نظارت از پیشرفت به سوی دستیابی به نتایج متوقعه ؛
- استفاده از نتایج تصمیم های مدیریتی ؛ و
- گزارشدهی از نحوه اجراءات

به عبارت دقیق تر ، وزارت معارف عملیه نظارت را بر مبنای یک سلسله منطقی طوری پیش میبرد که از داده ها (inputs) ، فعالیت ها و بازدهی ها شروع نموده و به نتایج ختم می گردد. تاثیرات در اخیر این سلسله قرار می گیرند. در ذیل سلسله مذکور به گونه سیستماتیک نشان داده شده است :



وزارت معارف مسؤولیت تمام معلومات رسمی و اطلاعات تعلیمی که از ساحه جمع آوری شده اند را به دوش خواهد داشت. سلسله مراتب جریان معلومات و اطلاعات قرار ذیل خواهد بود:



نیازمندی های اساسی فعالیت های نظارتی:

- مجموعه حد اقل شاخص های نتایج: که باید کمی و کیفی بوده و با هر یک از مقاصد تعیین شده مطابقت داشته باشند.
- ظرفیت: لازم است ظرفیت مدتها قبل از شروع عملی نظارت ایجاد گردد. هرگاه ظرفیت های لازم وجود نداشته باشند، ممکن است نظارت بسیار چالش بر انگیز ثابت شود. لازم است مهارت های پرسونل موجوده بخش نظارت و ارزیابی صیقل داده شوند تا باشد توانایی اجرای فعالیت های نظارتی را به گونه کامل بدست بیاورند.
- پلان معیاری: همچو یک پلان ضروری است تا عملیه جمع آوری و تحلیل اطلاعات را رهنمایی نماید. اطلاعات مربوط به حالت اولیه و حالت موجوده باید هر دو مد نظر باشند. بسیار مهم است که پلان متذکره حاوی شیوه های مختلف جمع آوری اطلاعات، طریقه بازنگری گزارش ها، نحوه گزارشدهی یک سفر ساحوی و چگونگی اجرای سروی در ساحه باشد.
- مسؤولیت ها: لازم است فعالیت های نظارت و ارزیابی برای اشخاص مسوولیت پذیر دیزاین شده باشند. بدین ترتیب حسابدی و شفافیت تامین خواهد گردید. همچنان تخصیص بودجه باید در پلان معیاری منعکس گردیده باشد تا هیچ یک از فعالیت های پلان شده از تطبیق باز نمانند.
- گزارشدهی: گزارشدهی باعث تقویت سیستم نظارت میگردد؛ تا مقامات عالیه با در نظر داشت یافته ها بتوانند تصامیم به موقع را اتخاذ نمایند. اقدامات اصلاحی با در نظر داشت گزارش های واصله اتخاذ می گردند.
- بازنگری ها: این همیشه یک اقدام مدیرانه است که تمام دست اندرکاران سالانه یکبار یا دو بار گرد هم آمده و پیشرفت و چگونگی تطبیق برنامه ها و همچنان پلان های آینده را مورد مرور و بازنگری قرار دهند. تنها از طریق بازنگری هاست که میتوان تمام طیف برنامه های تعلیمی را تحلیل نمود. همچنان بازنگری ها برای مراجع تمویل کننده نیز معلومات توحید شده را فراهم می سازند.

اصول ارزیابی

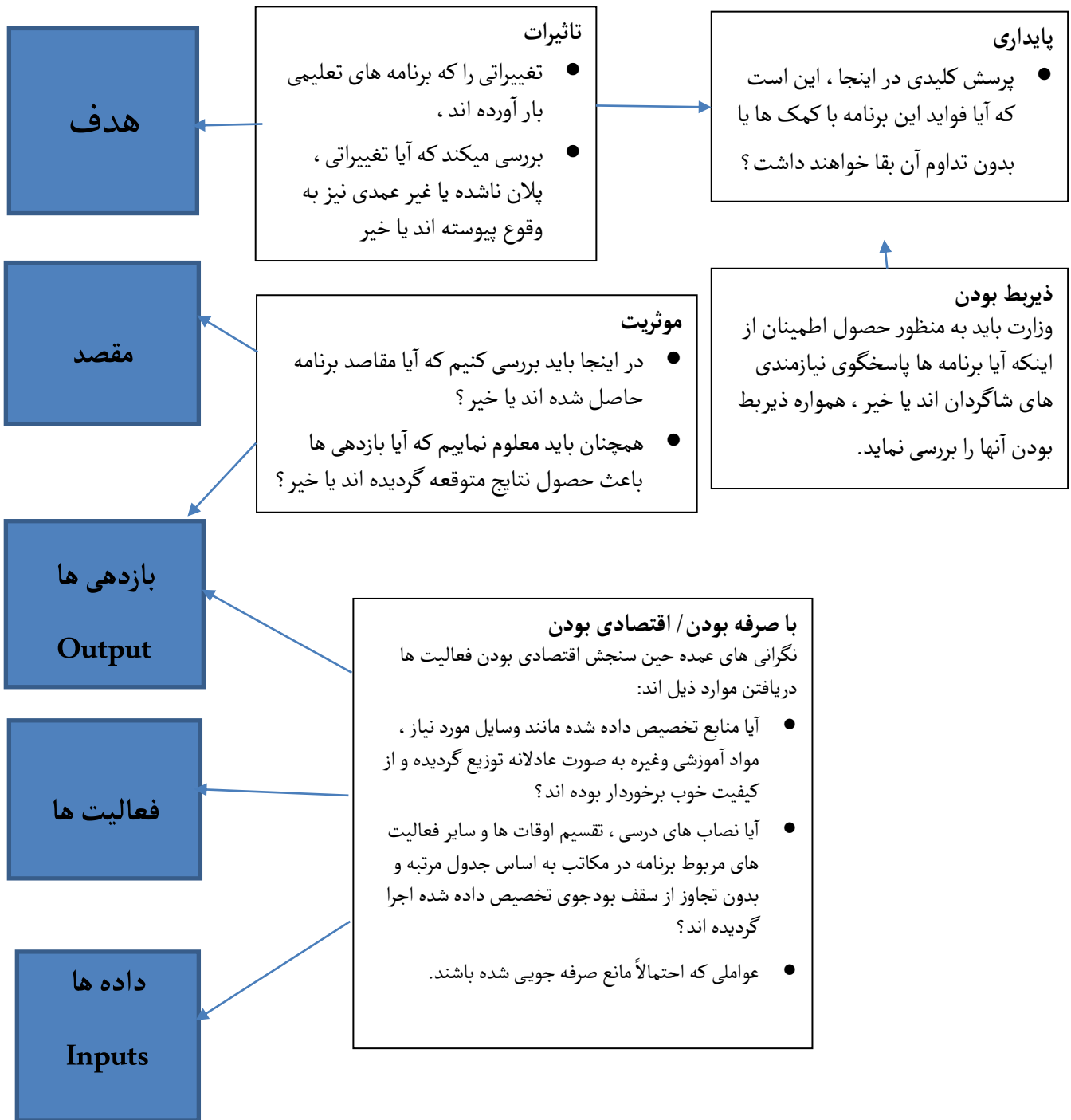
ارزیابی عبارت از بررسی سیستماتیک و منصفانه یک فعالیت، برنامه ویا پالیسی جاری یا تکمیل شده، طرح و دیزاین، تطبیق و نتایج آن میباشد. مقصد اساسی ارزیابی معلوم نمودن این است که آیا برنامه، پالیسی، روند تطبیق و نتایج آن ذریبط بوده و به تلاش هایی که صورت گرفته اند می ارزد یا خیر. در ارزیابی بدست آمدن مقاصد مطمح نظر می باشد و همچنان موثریت، مثریت و تاثیرات هدف کلی را به سنجش می گیرد. بالاخره، پایداری و بقای همه کارهایی را که انجام میدهم نیز در روند ارزیابی مورد غور و مداقه قرار می گیرد.

خلاصه اینکه ارزیابی به پرسش های ذیل پاسخ میدهد:

1. آیا پالیسی ها کار میدهند؟
2. آیا مقاصد حاصل گردیده اند؟ چگونه حاصل شده اند؟
3. آیا چارچوب های عقلانی یا لاگ فریم ها درست سنجیده شده بودند؟
4. روند تطبیق چگونه بود؟
5. چه چیز هایی باعث موفقیت پالیسی ها ، برنامه ها یا پروژه ها گردیدند؟
6. چه چیز هایی اسباب ناکامی آنها را فراهم نمودند؟
7. چه اصلاحاتی وارد نموده می توانیم؟
8. آیا برنامه ها با پلان های انکشافی ملی سازگار هستند؟

ارزیابی بایست یک وسیله مهم مدیریتی محسوب گردد. ارزیابی ، مقامات را قادر می سازد تا اجراءات خود را مرور نموده ، تصامیم اتخاذ نموده ، از تجارب درس گرفته و در قبال عملکرد شان پاسخگو باشند. بهبود در اجراءات در واقع به اساس ارزیابی ها پدید می آید. ارزیابی یک وسیله حسابدهی نیز است و نشان می دهد که بودجه نظارت و ارزیابی چگونه به مصرف رسیده است ، برنامه ها تا چی حد مؤثر هستند و تا کدام اندازه به صورت صرفه جویانه تطبیق شده اند. بالاخره ، پلان های آینده نیز از ارزیابی نشأت میکنند.

دیاگرام ذیل ساحات تمرکز لوگ فریم را نشان میدهد:



تثبیت ظرفیت:

وزارت معارف ظرفیت نظارت و ارزیابی خویش را از طرق ذیل تثبیت می نماید:

1. مشخص ساختن یک واحد نظارت و ارزیابی در چوکات وزارت: واحد مذکور دارای تعداد کافی پرسونل آموزش دیده خواهد بود که مسوولیت جمع آوری ، طی مراحل ، تحلیل و گزارشدهی اطلاعات را به عهده خواهند داشت. پرسونل نظارت و ارزیابی از مهارت های لازم جهت پیشبرد وظایف شان برخوردار خواهند بود.
2. مشخص ساختن منابع: منابع مذکور شامل وسایط نقلیه ، کمپیوتر ها (سخت افزار و نرم افزار) و مصارف مکرر خواهد بود.
3. تقویت ظرفیت ها: تقویت ظرفیت ها در ولایات و ولسوالی ها به منظور بهبود و تسریع روند جمع آوری و ارسال اطلاعات.

بخش سوم، صرفه جویی / عملکرد اقتصادی

بخش سوم

صرفه جویی / عملکرد اقتصادی

صرفه جویی در فعالیت های تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل

در آغاز این بخش چند پرسش طرح میگردد. به طور مثال: آیا یادگیری مهم است؟ آیا پول در برنامه های تعلیمی تغییری را وارد می نماید؟ یک کشور باید چگونه بالای سیستم تعلیمی خود سرمایه گذاری نماید تا به مقتضیات رشد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پاسخ گفته باشد؟ بودجه های تعلیمی برای حصص مختلف کشور تا چه اندازه عادلانه تخصیص یافته و مساویانه تقسیم میگردند؟ تا چه اندازه حساسدهی در قبال بودجه های تخصیص یافته وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش ها دولت باید بالای آنچه باورمند است تأمل نموده و میزان تعهد خویش در برابر چارچوب حقوقی موجود در فراهم سازی فرصت های تعلیمی برای اتباع را به سنجش بگیرد. اساس این عقیده و تعهد دولت جمهوری اسلامی افغانستان را گفته های گهربار پیغمبر بزرگ اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) تشکیل می دهد که در احادیث متعدد بر اهمیت تعلیم و تحصیل تأکید ورزیده است. آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (ترجمه، مضمون احادیث شرسف)

"ز گهواره تا گور دانش بجوی"؛ وی همچنان می فرماید: "کسی که زنده گی اش را به علم اختصاص دهد هرگز نخواهد مرد." در جای دیگری آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) امت خود را چنین ترغیب میدهد: "دانش بجوئید. دانش صاحب خود را قادر می سازد تا بین حق و باطل تفکیک نماید؛ دانش راه را بسوی آسمان ها روشن می سازد؛ در صحرا همدم ماست، در تنهایی رفیق ماست، زمانیکه دوستی نداشته باشیم همراه ما می باشد؛ ما را به خوشبختی ها هدایت می کند؛ در مصایب مددگار ما میشود، در میان دوستان یک زینت است و علیه دشمنان زره"¹⁵

تحقیقات در عرصه صرفه جویانه بودن برنامه های آموزشی به اندازه سایر موضوعات صورت نگرفته است. پژوهشگران ادعا دارند که توجه کمتری به مسایل عمومی مربوطه به هزینه ها و مفیدیت برنامه های آموزشی و اینکه چگونه میتوان نتایج را نسبت به مصارف بیشتر ساخت، عطف گردیده است¹⁶ (Belfield C. and Leven H. M. 2013). سایر محققان این عرصه مانند ارنستو شیفلین و لاورنس ولف (2007)¹⁷ ادعا دارند که در حالیکه تحصیل به طور فزاینده ای کلید حل مسایل اقتصادی تلقی میگردد - و سرمایه گذاری در سکتور معارف توسط دولت ها و مؤسسات بین المللی در حال رشد اند - دانش فعلی در مورد صرفه جویانه بودن برنامه های معارف کاملاً ناکافی اند؛ به ویژه با در نظر داشت بودجه های بزرگی که به سکتور معارف اختصاص داده می شوند.

صرفه جویی / عملکرد اقتصادی

از نقطه نظر تجارت، صرفه جویی عبارت از رابطه میان پول های مصرف شده و نتایج حاصله می باشد، به طول مثال پولی که صرف اعلانات تجارتي می شود در تناسب با افزایش سطح فروشات و عواید ناشی از فروش همان محصول تولیدی¹⁸. به تعقیب تعریف فوق، میتوان گفت که یک برنامه آموزشی زمانی توأم با صرفه جویی است که بدون مصرف پول زیاد نتایج خوب را محقق سازد. به منظور دانستن اینکه آیا یک برنامه صرفه جویانه است یا خیر، لازم است یک سلسله تحلیل مصارف صورت گیرد. اینگونه تحلیل به نام تحلیل صرفه جویی یا اقتصادی بودن (CEA) یاد می شود.

تحلیل صرفه جویی یک نوع تحلیل اقتصادی است که هزینه ها و نتایج نسبتی دو یا بیشتر از دو برنامه را مقایسه می کند و اقتضا می نماید که نتایج یک اقدام یا برنامه در مقایسه با منابع تخصیص داده شده به آن ارزیابی گردد (Belfield C. and Leven H. M. (ibid)). هدف این است که با مقامات تصمیم گیرنده کمک شود تا دریابند که کدام برنامه ها مؤثر هستند و کدامین شان مؤثر نیستند. هرگاه یک برنامه مؤثر باشد میتواند تخصیص دهی منابع بیشتر را توجیه نماید. روی این ملحوظ، وزارت معارف آنعده برنامه های تعلیمی را اولویت خواهد داد که پاسخگوی نیازمندی های اطفال محروم باشد، قطع نظر از علل و عوامل آنها و همه آنهايي که از مکاتب به دور مانده اند، مشروط بر اینکه کیفیت پائین نرود. در عین زمان وزارت معارف از تعهد حکومت مبنی بر ارائه خدمات تعلیمی برای همه حسب صراحت قانون معارف و قانون اساسی کشور نیز آگاه است.

¹⁵ احادیث حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) <http://www.twf.org/Savings/Savings4.html#Learning>

¹⁶ صرفه جویی در معارف و مکاتب. جنوری 2013 (فشرده)؛ مرکز مطالعات امریکا؛ انستیتوت گراتام

¹⁷ صرفه جویی در پروژه های مکاتب ابتدائیه در افریقای شرقی و غربی انگلیسی زبان: نظرسنجی توسط گروه برنامه ریزی اقتصادی و معارف (خلاصه گزارش)

¹⁸ <http://www.businessdictionary.com/definition/cost-effectiveness.html>

غرض از اقتصادی بودن

تحلیل سکتور معارف افغانستان و تحلیل هزینه ها و منافع پروژه دوم بانک جهانی¹⁹ برای بهبود کیفیت معارف (مشخصات پروژه: MoE April 29, 2013 Ref. N°: MoE/CS/EQUIP/CQS-21) مقاصد فواید هزینه ها را قرار ذیل شرح میدهد:

1. ارتقای دسترسی مساویانه به تعلیم و تحصیل: در این سند دسترسی مساویانه به حیث فرصتی برای شامل شدن در یک برنامه تعلیمی رسمی و تکمیل نمودن آن، قطع نظر از جنسیت، موقعیت جغرافیایی و متعلق بودن به یک اقلیت، تعریف شده است. واضح است که تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل در این زمینه مورد پذیرش قرار دارد. همچنان دسترسی یکی از مسایل مهم برای معلولیت پنداشته میشود زیرا موجودیت تسهیلات مورد نیاز به افراد معلول حس اعتماد و آسایش را میبخشد و آنها را به توانمند شدن تشویق مینماید. بدین منظور لازم است تا تسهیلات مورد نیاز معلولین در مکاتب، پوهنتون ها و سایر محلات در نظر گرفته شوند: این تسهیلات شامل راه های هموار معیاری، زینه های برقی، دروازه های وسیع، تشناب، چوکی و میز درسی ویژه و سایر تسهیلات دیگر.

بهبود کیفیت تعلیمات:

- a. یک محیط آموزشی مصون و مناسب؛
- b. معلمانی که در رشته مربوطه شان شایستگی دارند و میتود های درسی مفید؛
- c. مواد کافی و ذریبیط برای تدریس و آموزش؛ و
- d. صنف هایی که تعداد شاگردان در آن متوسط باشد و تناسب بین تعداد شاگردان و معلمان رعایت شده باشد.

2. بهبود عرضه خدمات: عرضه خدمات به ظرفیت سیستم های حمایتی وزارت معارف دلالت میکند که تعلیمات با کیفیت و منصفانه را در سراسر افغانستان از لحاظ مالی، تدارکات، منابع بشری و همچنان از نظر مدیریت معلومات و کاربرد اطلاعات در پالیسی سازی و برنامه ریزی ارائه مینماید. سرمایه گذاری در بخش عرضه خدمات کار خوب است. به هر حال، حکومت میداند که تحصیل حق اساسی تمام اطفال و بزرگسالان بوده و یک پیش شرط برای روند های دموکراتیک و مشارکت اجتماعی می باشد.²⁰ NESP همواره میگوید که تحصیل اساس انکشاف منابع بشری مورد نیاز برای رشد اقتصادی کشور را تشکیل داده و میتواند در کاهش فقر و تامین صلح و وحدت مفید واقع گردد. بناً نیاز است از منابع بصورت مناسب استفاده گردد و توجه بیشتر بالای آموزش کدرها معطوف گردد و نیز مصارف آن از طریق بودجه انکشافی و عادی تمویل گردد. از سوی دیگر تدویر صنوف درسی قطع نظر از تعداد شاگردان معلول، صورت گیرد. این حقایق دلایلی را به دست مردم عام میدهند که بر اساس آنها تحصیل برای همه را مطالبه نمایند.

توجه نهائید که بحث مقاصد فوق الذکر روی فواید مصارف است نه روی اقتصادی بودن، هرچند هر دو اصطلاح با هم ارتباط نزدیک دارند. در این پالیسی مقاصد اقتصادی بودن قرار ذیل اند:

1. کمک با مقامات پالیسی ساز وزارت معارف در تعیین اولویت ها از میان مجموعه اقدامات پیشنهاد شده در راستای تطبیق برنامه های تحصیلی.
2. اجرای تحلیل اقتصادی بودن و مصارف تخمینی اقدامات مختلف
3. نظارت و ارزیابی هزینه برنامه های تحصیلی در پیوند با نتایج متوقعه
4. تعیین اجزای اساسی تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل در چارچوب موجوده تعلیمی و سعی برای بهبود ارائه خدمات برای تمام اطفال دارای ضروریات تعلیمی خاص
5. دریافت اساس ویا توجیه برای تخصیص بودجه کافی از جانب دولت برای تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل.

¹⁹تحلیل سکتور معارف افغانستان و تحلیل هزینه ها و منافع پروژه دوم بانک جهانی برای بهبود کیفیت MoE; April 29, 2013: Ref. No:

MoE/CS/EQUIP/CQS-21: World Bank Project

²⁰ پلان استراتژیک ملی تعلیمی برای افغانستان (1389 – 1393) صفحه 134

تحلیل مصارف

از آنجائیکه هدف اقتصادی بودن درک استراتژی‌های بالقوه اقدامات است، برای این پالیسی لازم است تا آنها را در یک مناقصه تحلیل نماید تا برای هر یک از اقدامات میتودهای تحلیل مصارف را به وجود آورد. علاوه بر آن، بسیار مهم خواهد بود که امکانات موجوده در مقایسه با ظرفیت عواید داخلی حکومت و همچنان سایر منابع ممکنه تمویل مانند بانک جهانی، مؤسسات غیر حکومتی بین‌المللی و ادارات ملل متحد ملاحظه شوند. هدف اصلی تحلیل مصارف این است که هزینه‌های هر یک از اقدامات به گونه تخمینی معلوم گردند. علاوه بر حکومت مراجع دیگری مانند ادارات سازمان ملل متحد، مؤسسات غیر حکومتی بین‌المللی و مؤسسات غیر حکومتی ملی یا محلی نیز وجود دارند که خدمات تعلیمی و تحصیلی را ارائه میکنند. لازم است مراجع مذکور مورد بررسی قرار گیرند تا معلوم گردد که برنامه‌های تعلیمی آنها تا چه حد اطفال دارای نیازهای تحصیلی خاص و اطفال دارای معلولیت را تحت پوشش قرار می‌دهند. زمانیکه این کار صورت گرفت، آنگاه مقامات پالیسی ساز و تصمیم‌گیرنده وزارت معارف خواهند توانست تا تخمین نمایند که چه مقدار کار به دوش آنها باقی مانده است تا مطابق آن تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

استراتژی‌ها برای اقدامات اقتصادی جهت افزایش یادگیری

در این بخش تعدادی از استراتژی‌ها برای اقدامات اقتصادی مختلف را به بررسی می‌گیریم که میتوانند برای افزایش سطح یادگیری در چوکات پروگرام تعلیمات فراگیر و مکاتب دوستدار طفل مورد استفاده قرار گیرند.

1. توظيف بهترین معلمان در صنوف پائین (ابتدائیه)

توظيف معلمان برتر در رده‌های تحصیلی پائین‌تر، به طور مثال در پروگرام‌های تعلیم و انکشاف در سنین مقدم طفولیت (ECED) و در صنوف اول الی سوم مکتب میتواند در پیریزی یک بنیاد محکم تعلیمی برای اطفال مهد واقع گردد. این امر مستلزم برنامه‌های خوب پلان شده تریبیه معلم، تهیه مواد درسی مختص به محل، تشویق استفاده از دانش بومی و اشتراک مردم محل در برنامه‌های تعلیمی می‌باشد.

2. ایجاد برنامه‌ها برای سال تعلیمی مکاتب رسمی

اکثراً در جریان یادگیری وقت بیشتر شاگردان به سبب نبود یک برنامه مشخص تعلیمی در طول سال ضایع می‌گردد. لازم است یک تقسیم اوقات مشخص تهیه گردد تا مشخص سازد که ساعت‌های درسی هر طفل به صورت جدی رعایت می‌گردند. در صورت عدم موجودیت همچو تقسیم اوقات، ساعت‌های زیادی در این ضایع می‌گردد که طفل چی وقت باید مکتب برود و چی وقت به خانه بازگردد. در نتیجه، بالای اجراءات و هم بالای منابعی که به مکاتب تخصیص داده شده بودند تأثیرات منفی وارد می‌گردد. خلاصه اینکه تمام مکاتب باید از تقویم رسمی سالانه خود به گونه جدی پیروی نمایند.

3. تنظیم پالیسی حاضری مکاتب

قابل توصیه است که تمام شاگردان باید به صورت منظم به مکتب حاضر شوند. البته موانع زیادی در راه تطبیق پالیسی حاضری مکاتب وجود دارند، اما تا حد امکان پالیسی‌های حاضری مکاتب باید خوب تنظیم شده باشند تا نشان دهند که طفل برای چه مدتی در مکتب بوده است. قابل ذکر است که داشتن حاضری خوب الزاماً به معنای اجراءات عالی شاگرد در مکتب نمی‌باشد، اما به هر حال مکاتب دارای معلمان خوب، منابع خوب و سهمگیری خوب اولیا در نهایت امر نتایج خوبتری خواهند داشت. از جانب دیگر، حاضری خراب میتواند به تدریس ضعیف و یا نبود منابع کافی عطف گردد.

4. داشتن تخصیص منصفانه معلمان برای هر مکتب

این که در مکاتب واقع در شهرها تعداد معلمان از ضرورت بیشتر است، بالای برنامه‌های تعلیمی مکاتب در روستاها و دهات تأثیر منفی دارد. در بسیاری از موارد مکاتب روستایی فاقد معلمان کافی اند چه رسد به اینکه در آنها معلمان مجرب و ورزیده

وجود داشته باشند. در حقیقت شاگردان مکاتب روستایی نسبت به شاگردان مکاتب شهری نتایج ضعیف تری کسب می کنند. این معضله زمانی حل شده می تواند که معلمان به درستی آموزش داده شده و به صورت منصفانه در مناطق مختلف کشور در مکاتب توظیف گردند. از جانی، برای مکاتب انانث ضرورت به تعداد بیشتر معلمان انانث میباشد.

5. جلوگیری از تبدیلی های معلمان

هرچند ممکن در افغانستان قضیه چنین نباشد (احتمالاً به استثنای مکاتب شهری) اما حقیقت این است که تبدیلی معلمان از یک مکتب به مکتب دیگر بالای شاگردان اثرات سوء دارد. زمانیکه یک معلم تبدیل میشود، از یکطرف شاگردانی که معلم مذکور برایشان تدریس می نمود، وی را از دست می دهند و از جانب دیگر ممکن این معلم در مکتب جدید روحیه خود را از دست دهد. شاید عملکرد وی در مکتب جدید با معیارها برابر نباشد.

هرگاه یک معلم حد اقل برای سه سال در یک مکتب باقی بماند و تبدیل نشود، مصارف تبدیلی کاهش خواهند یافت. اما به هر حال اگر تبدیلی بنا بر دلایل امنیتی، وضعیت صحی، ترفیع و غیره حالات صورت گیرد، طرفین می توانند روی آن به توافق برسند.

6. جلوگیری از تبدیلی مدیران مکاتب در وسط سال

تبدیلی مدیر مکتب میتواند برای مکتب اثرات زیانباری را به همراه داشته باشد. این عملکرد اثرات نامطلوب واضحی دارد. مکتبی که مدیر آن تبدیل می شود در یافتن جایگزین وی دچار مشکلات می شود، و مکتبی که مدیر مذکور به آن میرود ممکن به توانایی های مدیریتی و توجه وی نسبت به معلمان، شاگردان و اولیای آنها به دیده شک بنگرند.

7. ایجاد انجمن های اولیا و معلمان

هماهنگی میان معلمان و اولیای شاگردان باعث میشود تا به نیازهای آموزشی شاگردان توجه بیشتر صورت گیرد. این بُعد اقتصادی بودن، نقش کلیدی را در موثریت سایر سیستم های مکتب بازی می نماید. در صورتی که اولیا با مکتب روابط نزدیک نداشته باشند نتایج نامطلوبی را باید متوقع بود.

8. حفظ نظم و دسپلین در مکتب مانع بروز بی نظمی ها

موجودیت دسپلین خوب در مکتب باعث تقویت آموزش سیستماتیک، خلاقیت معلمان و شاگردان و جلب حمایت اولیا و اعضای جامعه می گردد.

9. برگزاری محافل در مکتب

این محافل می توانند شامل رقابت ها در عرصه های علمی، ورزش، اجتماعیات، زراعت و غیره باشند. برگزاری محافل در مکاتب باعث جلب توجه مردم گردیده و نیز توجه مراجع تمویل کننده و تجارت پیشه گان را به تمویل مکتب عطف نموده، باعث کاهش مصارف مکتب می گردند. افزون بر آن، برگزاری همچو محافل در بهبود فضای عمومی مکتب نیز کمک می کنند.

10. اشتراک معلمان و شاگردان در فعالیت های کسبه کاری

در مکاتبی که معلمان و شاگردان جهت تولید و فروش بعضی محصولات گردهم می آیند، مصارف مکتب به گونه چشمگیری کاهش می یابد و در عین زمان سطح مهارت های تولیدی آنها بلند می رود.

سایر استراتژی‌های را که میتوان مد نظر گرفت قرار ذیل اند (هرچند اندکی گران تمام میشوند):

- فراهم ساختن تجهیزات مانند کمپیوترها، وسایل لابراتوار و غیره.
- برنامه‌های تغذی در مکاتب، به ویژه برای اطفال کوچکی و اطفال متعلق به خانواده‌های بی بضاعت.
- طویل ساختن ساعت درسی مکتب در جاهایی که امنیت مشکل ساز نباشد.
- داشتن تعداد کمتر شاگردان در هر صنف.
- بلند بردن معاشات معلمان و ارتقای سطح مهارت‌های آنها از طریق برنامه‌های رشد مسلکی.
- وضع معیارهای بهتر برای انتخاب معلمان و شاگردان آنها
- مهیا ساختن کتب درسی برای تمام شاگردان.
- ایجاد کتابخانه‌های کوچک در مکاتب.
- تمدید طول سال تعلیمی مکاتب
- برنامه‌های رسانه‌یی برای شاگردان دارای لیاقت کمتر
- تدوین قوانین و پالیسی‌های فراگیر جهت حفاظت از حقوق تعلیمی اطفال.

به منظور تطبیق این پالیسی، وزارت معارف باید نتایج هر یک از اقداماتی را که میخواهد در عمل پیاده کند سنجش نموده و بعداً اصلاحات لازم را جهت بهبود نتایج مذکور به هزینه کم به عمل آورد. جهت نیل به این هدف، وزارت معارف سیستمی را برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای استراتژی‌های عمل خویش ایجاد خواهد نمود. به طور مثال، وزارت معارف می‌تواند منابع موجوده، تعداد معلمان آموزش دیده، موقعیت آنها در سراسر کشور، هزینه معاشات آنها و موثریت اجراءات آنها را تشخیص نماید. معمولاً عملکرد یک کشور به صورت عموم در ختم دوره تعلیمات ابتدایی یا ثانوی زمانی که همه کاندیدان شامل یک امتحان ملی می‌شوند، بررسی میگردد. سنجش اجراءات به مقیاس‌های کوچکتر به سطح مکاتب نیز صورت گرفته می‌تواند اما نباید علیه شاگردان دارای نیازمندی‌های خاص آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. برای شاگردانی که نیازمندی‌های آموزشی خاص دارند ویا دارای معلولیت یا سایر انواع آسیب‌پذیری‌ها می‌باشند میتوان از سایر انواع ارزیابی‌ها کار گرفت.

عناصر اقدامات تعلیمی

1. خدمات کارمندان

بخش خدمات کارمندان اساسی‌ترین عنصر در ارائه برنامه‌های تعلیمی را تشکیل میدهد. این بخش شامل استخدام، آموزش و توظیف معلمان در مکاتب و انکشاف مسلکی متداوم آنها می‌باشد. تا جاییکه موضوع تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل مطرح است، لازم است راجع به امتیازات بهتر برای معلمان فکر شود؛ زیرا آنها خدمات اختصاصی را ارائه می‌کنند که برای آن آموزش‌های اختصاصی دیده‌اند. تربیه معلمان وقت‌زبانی را در بر می‌گیرد و اگر در قسمت نگهداشت آنها فکر اساسی نشود به آسانی از دست می‌روند. در بسیاری از کشورها معلمانانی که تعلیمات خاص دیده‌اند حقوق و امتیازات شان نسبت به معلمان عادی اندکی بیشتر می‌باشد. برنامه‌های تربیه معلم را میتوان به دو بخش یعنی آموزش‌های قبل از خدمت و آموزش‌های داخل خدمت تقسیم بندی نمود. بدن ترتیب از عرضه تعداد کافی معلمان به سیستم تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل اطمینان حاصل خواهد گردید.

2. امکانات

بسیاری از مکاتب در مناطق روستایی افغانستان، مراکز تعلیمی مبتنی بر جامعه هستند. اینها معمولاً اماکن پراکنده با امکانات نهایت کم می‌باشند. به هر حال، اینها چالش‌هایی اند که در مقدمه این بخش تذکر یافتند و قابل چشم‌پوشی نمی‌باشند. به منظور اینکه این پالیسی به یک سند کارا مبدل گردد، لازم است برای هر مکتب امکانات و سهولت‌های معیاری فراهم گردند

که شامل صنف های درسی ، تشناب های جداگانه برای پسران و دختران ، محیط های قابل دسترسی و مواد تدریسی و آموزشی می باشند.

3. وسایل و تجهیزات

میتوان برای اطفالی که از سبب معلولیت های شان با مشکلات مختلف در عرصه یاد گیری مواجه اند وسایل حمایتی ارزان قیمت را فراهم نمود. این وسایل بستگی به اندازه معلولیت ، قیمت ، تعداد شاگردان نیازمند آن و طرز استفاده آن خواهد داشت. تولید موادی مانند قاموس زبان اشاره صرف یکبار صورت می گیرد. البته این کار سرمایه هنگفتی را لازم دارد ، اما مهم است که علایم اشاره به گونه جامع و همه جانبه تهیه گردند.

تجهیزات مورد نیاز برای خواننده گان خط بریل را میتوان از مطبعه ملی بریل بدست آورد ؛ و همچنان وسایل حمایتی برای شاگردان دارای معلولیت فزیک را میتوان در دیپارتمنت های فزیتراپی به اساس ضرورت تولید نمود.

4. تدارکات

تدارکات برای حکومت یا سایر عرضه کننده گان خدمات تعلیمی یک فعالیت دوامدار به حساب می آید. سنجش هزینه آن به اساس تعداد اطفالی که از آن مستفید می گردند صورت می گیرد. باز هم تکرار می گردد که نباید فکر کرد که هزینه این کار بلند است ، زیرا معلولیت یا آسیب پذیری طفل چیزی نیست که با گذشت هر روز بیشتر شود ، به استثنای بعضی موارد استثنایی.

5. سایر خدمات

اینها شامل رهنمایی و مشوره دهی ، خدمات مراکز منابع تعلیمی و اتاقهای منابع ، ایجاد کتابخانه ها در مکاتب ، خدمات تشخیص و اقدامات زود هنگام به مقصد تعیینات و غیره می باشند. خدمات مذکور را می توان به سطح مکتب فراهم ساخت. خدمات تشخیص و اقدامات زود هنگام را میتوان در مراکز منابع ارائه نمود. از این طریق میتوان به اولیا رهنمایی نمود که چگونه توسط برنامه های تعلیمی خانگی با معلولیت طفل شان مبارزه کنند. مؤسسات غیر حکومتی و جامعه جهانی باید تدابیر لازم را برای ارائه همچو خدمات اتخاذ نمایند ؛ اما در عین زمان حکومت نیز باید خود را آماده سازد تا بتواند زمانیکه جامعه جهانی افغانستان را ترک می نماید ، این مسؤولیت را به عهده گیرد.

در نتیجه میتوان گفت که هزینه برنامه های تعلیمی یک موضوع ساده نبوده بلکه نیازمند میکانیزم های جامعی می باشد که از تداوم ، کیفیت و پایداری اطمینان دهند. همچو میکانیزم ها را میتوان از طریق تدوین پالیسی هایی نظیر همین پالیسی به وجود آورد. هر نوع پالیسی تعلیمی حکومت تحت عنوان پلان استراتژیک ملی تعلیمی و اهداف تعلیمی ملی تدوین می گردد. این پالیسی قوت خود را از اسناد دولتی که در اینجا تذکر یافته اند ، بدست می آورد. در این بخش روی مقاصد برای تحلیل اقتصادی بودن ، دلایل برای تحلیل مصارف و استراتژی های اقتصادی بحث صورت گرفته است.

این بخش با بحث پیرامون بعضی از عناصر استراتژی های عمل که هدف همه شان کمک به پالیسی سازان و مقامات تصمیم گیرنده وزارت معارف در شناسایی راه ها و ابزار پاسخگویی به نیازمندی های تعلیمی اطفال میباشد ، به اختتام میرسد.

بخش چهارم، ارتقای ظرفیت

بخش چهارم

ارتقای ظرفیت

ارتقای ظرفیت

یکی از عمده ترین اولویت های وزارت معارف ارتقای ظرفیت مدیریتی ادارات تعلیمی به منظور افزایش مؤثریت و مثریت کاری آنها است. وزارت معارف برنامه های ارتقای ظرفیت را ارزیابی نموده و در استراتژی های ارتقای ظرفیت خویش اصلاحات لازم را به میان خواهد آورد. همچنان وزارت معارف طرزالعمل های اداری و سیستم ها را نیز به منظور افزایش ظرفیت مدیریتی اصلاح و ساده سازی خواهد نمود²¹.

مؤلفه های اساسی ارتقای ظرفیت قرار ذیل اند:

1. بررسی و انکشاف
2. تصویب و تطبیق
3. هماهنگی در داخل یک اداره ، بین ادارات مختلف و سایر دست اندرکاران
4. نظارت و ارزیابی
5. انکشاف مهارت های بشری

مؤلفه های پنج گانه فوق الذکر ارتقای ظرفیت جزء لاینفک تطبیق مؤثر پالیسی را تشکیل میدهند. در واقع پالیسی تدوین و تصویب می شود و یک میکانیزم هماهنگی ، نظارت و ارزیابی موجود می باشد تا از نحوه فعالیت ها / تطبیق آجندای تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل به سطح ملی و محلی نظارت نماید.

مهمتر از همه ، انکشاف مهارت های بشری یکی از ارکان حیاتی بوده که باید با جدیت تمام مورد توجه قرار گیرد تا مهارت های پرسونل در سراسر کشور انکشاف یابند. بنأاً به منظور رشد ظرفیت ها و مهارت ها وزارت معارف مکلف است تا برنامه های آموزشی ، کارگاه ها ، سیمینار ها ، جلسات آشناسازی ، رهنمایی ها ، دید و وادید های آموزشی و برنامه های تشریک معلومات را تدویر نماید.

آگاهی عامه

ترویج برنامه های آگاهی دهی از طریق:

- خانواده ها ،
- رسانه های همگانی
- شوراهای والدین به سطح مکتب
- شوراهای محلی ،
- ریاست صحیه وزارت معارف ،
- ریاست صحت روانی وزارت صحت عامه ،
- تیتر ،
- مدیران و معلمان مکاتب از طریق ریاست تعلیمات فراگیر وزارت معارف

²¹پلان استراتژیک ملی تعلیمی (2014-2020) ، صفحه 15

بخش پنجم، میکانیزم هماهنگی

بخش پنجم

میکانیزم هماهنگی

میکانیزم هماهنگی

در این پالیسی هماهنگی به معنای روابط رسمی میان مراجع ارائه‌کننده تعلیمات خاص و تعلیمات فراگیر می‌باشد. روابط مذکور از آن جهت رسمی گفته می‌شوند که به اساس دورنمای دولت "...فراهم ساختن دسترسی مساویانه به تعلیمات با کیفیت برای همه ..."²²، قانون معارف²³ و قانون اساسی استوار اند²⁴. مراجع ارائه‌کننده تعلیمات فراگیر از نظر ساحت تمرکز و مکلفیت‌های شان از همدیگر متفاوت اند. بطور مثال: ریاست‌های مختلفی که در وزارت معارف ایجاد گردیده اند هر کدام وظایف جداگانه‌ی بی‌را به پیش می‌برند؛ اما هدف مشترک تمام شان بهبود خدمات تحصیلی است. از جانبی هم نهاد‌های تحصیلات عالی مانند پوهنتون‌ها، دارالمعلمین‌ها و مراکز آموزش‌های فنی و حرفوی نیز مکلفیت‌های خاص خود را دارا می‌باشند؛ و بالاخره مؤسسات غیر دولتی نیز در عرضه خدمات تحصیلی از قیومیت جداگانه بی‌برخوردار هستند. بنابراین ضرورت است تا فعالیت‌های همه مراجع خدماتی فوق‌الذکر از یک نقطه مرکزی هماهنگ ساخته شوند تا قوانین و مقررات کشور، اهداف ملی تحصیلی و پلان‌ها و پالیسی‌های عمومی انکشافی، اجتماعی - اقتصادی رعایت گردیده و از آنها پیروی شود. بدین ملحوظ و با استناد بر این پالیسی وزارت معارف ارگان مرکزی مسوول هماهنگی خدمات تعلیمات فراگیر می‌باشد. بنابراین وزارت معارف مرجع رسمی و قانونی هماهنگی میان تمام مراجع ارائه‌کننده خدمات تعلیمات فراگیر بوده و رهنمایی‌های مسلکی مورد نیاز را به دست اندرکاران ذیدخل بدون تضعیف کیفیت تعلیمات و یا امتناع از حقوق اطفال دارای معلولیت، ارائه می‌نماید.

مقاصد هماهنگی

● **مقصد عمومی:** تسریع روند انکشاف تعلیمات به سطح ملی از طریق تامین هماهنگی خوب جهت عرضه خدمات تعلیمی خاص و فراگیر برای اطفال دارای معلولیت و بازمانده.

● مقاصد خاص:

1. تحلیل وظایف و مسوولیت‌های مراجع ارائه‌کننده تعلیمات خاص و فراگیر به سطح ملی، ولایتی، ولسوالی‌ها و مؤسسات غیر دولتی جهت بهبود عرضه خدمات در این راستا.
2. دخیل ساختن وزارت‌های سکتوری حکومت در ارائه تعلیمات خاص و فراگیر از طریق فعالیت‌های هماهنگ شده و دادخواهی.
3. زمینه‌سازی برای تحقیقات پیرامون تعلیمات خاص و فراگیر در نهاد‌های تحصیلات عالی کشور.
4. نظارت و ارزیابی از پالیسی تعلیمات فراگیر با تاسی از طرزالعمل‌های نافذ حکومت جهت تخصیص دهی عادلانه منابع مالی و بشری.

● ابعاد مختلف هماهنگی

هماهنگی پالیسی تعلیمات فراگیر در ابعاد مختلف مانند ساختن نصاب درسی، تفکیک نصاب درسی، تغییر و تعدیل نصاب درسی، تربیه معلمان و تعیین معیار‌های ارزیابی برای ادارات دولتی و مؤسسات غیر دولتی صورت می‌گیرد. وزارت معارف منحصیث ارگان مرکزی مسوول سیستم تحصیلی در کشور اطمینان حاصل خواهد نمود که دست اندرکاران مختلف در عرصه ارائه خدمات تعلیمات فراگیر در قبال مسوولیت‌های خود مبنی بر پیشبرد پالیسی تعلیمات فراگیر متعهد می‌باشند:

²² پلان استراتژیک ملی تعلیمی برای افغانستان (1389-1393) صفحه اول

²³ جمهوری اسلامی افغانستان - قانون معارف، فرمان شماره 56 مورخ 31/4/1387 جریده رسمی شماره 955، ماده ششم

²⁴ قانون اساسی افغانستان (تصویب شده به تاریخ 26 جنوری 2004) فصل دوم، ماده 43

(a) وزارت معارف

- ریاست تربیه معلم
- ریاست انکشاف نصاب درسی
- ریاست تعلیمات فراگیر

(b) ریاست های معارف در ولایات مسوولیت مراجع و اشخاص ذیل را به دوش خواهند داشت:

- مدیریت معارف ولسوالی
- دارالمعلمین ها و مراکز تربیه معلم به سطح ولایات و ولسوالی ها
- مدیران مکاتب
- اولیا
- شاگردان

(c) وزارت های سکتوری

- وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین
- وزارت صحت عامه

(d) پوهنتون

- فاکولته آموزش های خاص — پوهنتون تعلیم و تربیه کابل
- نهاد های تحقیقاتی که با پوهنتون کابل توأمیت دارند

(e) سایر دست اندرکاران

- دفاتر سازمان ملل متحد
- مؤسسات غیر دولتی

(f) همکاری بین المللی

- از طریق تبادل تجارب و افکار در رابطه به تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل و کشورهای خارجی ،
- تقویت گروه کاری هماهنگی تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل
- مراکز تعلیمات فراگیر کشورهای تمویل کننده و
- ویب سایت وزارت معارف

وظایف و مسوولیت های رده های مختلف در سلسله مراتب میکانیزم هماهنگی

غرض از ارائه خدمات تعلیمات فراگیر همانا رسیده گی به نیازمندی های شاگردان محروم است. نیازمندی های مذکور نظر به درجه ضرورت ها ، موجودیت امکانات ، کادر های مسلکی و تخصیص منابع متفاوت می باشند. این پالیسی آگاه است که در عرضه خدمات تعلیمات فراگیر کاستی هایی وجود دارند که دلایل عمده شان را وضعیت اراضی کشور ، عوامل اجتماعی — اقتصادی ، نبود امکانات تربیه معلم ، رفتار مردم و نوع برداشت از تعلیمات فراگیر تشکیل میدهند. به هر حال ، موانع

مذکور باید ضمن مساعی کشور برای حصول اهداف انکشافی هزاره (MDGs) و تعلیم برای همه (EFA) برطرف گردند. وظایف و مسوولیت های کلیدی هر یک از دست اندرکاران میتوانند قرار ذیل مورد بررسی قرار گیرند:

a) وظایف و مسوولیت های وزارت معارف

- عمل نمودن منیحت مرجع مرکزی برای ارائه همه خدمات تعلیمات خاص و فراگیر.
- برنامه ریزی ، جلب و تخصیص بودجه کافی تعلیمات فراگیر برای ولایات ، تطبیق پالیسی ، نظارت و ارزیابی.
- حصول اطمینان از این که اصول تعلیمات فراگیر در همه پلان های سکتورهای ذیربط معارف گنجانیده شده اند.
- حصول اطمینان از اینکه نصاب درسی تعلیمات خاص و فراگیر به گونه درست تسوید و تصویب گردیده و برای تمام شاگردان دارای نیاز های خاص آموزشی و شاگردان دارای معلولیت ارائه می گردد.
- استخدام و آموزش معلمان برای تعلیمات خاص و فراگیر مطابق به طرزالعمل های نافذه در قسمت استخدام.
- بازنگری مقطعی کورس ها یا برنامه های تربیه معلم جهت حصول اطمینان از این که کورس ها و برنامه های مذکور با معیار ها برابر بوده و دانش و مهارت های کافی را که برای ارائه تعلیمات فراگیر ضروری می باشند ، پیشکش می کنند.
- حصول اطمینان از این که کورس های تعلیمات خاص و فراگیر که در مراکز تربیه معلم دایر می گردند توسط استادان مسلکی پیش برده شوند.
- تهیه رهنمود ها ، معیارهای بررسی و مواد (کتب بریل و زبان اشاره) با مشوره دست اندرکاران به منظور حفظ کیفیت معارف.
- تهیه ابزار بررسی جهت شناسایی و اقدامات زود هنگام.
- هماهنگ ساختن ارائه تعلیمات خاص در تمام مراکز تعلیمی به شمول مراکز که توسط نهاد های غیر دولتی اداره می شوند.
- ایجاد دیتابیس (بانک اطلاعات) ملی که در سیستم مدیریت معلومات تعلیمی (EMIS) کشور مدغم خواهد گردید.
- همکاری با سایر مراجع عرضه کننده خدمات جهت تدارک آلات و تکنالوژی های حمایتی برای ارائه هر چه بهتر تعلیمات با کیفیت و حمایت از اطفال دارای معلولیت.
- ایجاد روابط کاری با نهاد های ذیدخل به منظور برآورده ساختن معیار های متوقعه بین المللی و رفع نیازمندی های بودجوی.
- سازماندهی برنامه های ارتقای ظرفیت در مورد تعلیمات خاص و فراگیر در سطوح مختلف جهت افزایش شایستگی ها.
- انکشاف دادن کانال های ارتباطی جامع برای بلند بردن سطح آگاهی مجامع سیاسی ، دینی ، بزرگان محلی و مردم عام راجع به تعلیمات خاص و فراگیر.
- نظارت و ارزیابی از تطبیق پالیسی تعلیمات فراگیر در مطابقت با طرزالعمل های نظارت و ارزیابی مرعی الاجرا.
- ارتقای فعالیت های تحقیقاتی از سطح تحصیلات ابتدایی الی تحصیلات عالی.
- تقویت تبعیض مثبت جهت افزایش شمولیت و حفظ اطفال محروم در سطوح تحصیلات مقدماتی ، آماده گی ، ابتدائیه ، متوسط و عالی و در سایر نهاد های تحصیلی.
- اقدامات برای تاسیس یک شورای ملی برای افراد دارای معلولیت که مسوولیت دادخواهی برای ارائه تعلیمات باکیفیت برای همه را به عهده خواهد داشت.
- حصول اطمینان از این که ریاست تعلیمات همگانی دارای پرسونل مسلکی و مجرب باشد که از تطبیق پالیسی تعلیمات فراگیر نظارت به عمل خواهند آورد.
- طرح طرزالعمل ها با همکاری انجمن های معلمان و گروه های مسلکی به منظور فراهم ساختن مکافات برای معلمان تعلیمات خاص و فراگیر جهت جلوگیری از کناره گیری آنها.

- به وجود آوردن میکانیزم ها یا پروسه های پیشگیرانه برای حل مشکلات جهت حل و فصل منازعات فی مابین اولیا و معلمان.

(b) ریاست های معارف در ولایات

- برنامه ریزی ، بودجه سازی ، سازماندهی ، هماهنگی و آماده ساختن پرسونل برای تطبیق تعلیمات فراگیر در تمام ولایات.
- ارائه رهنمایی ها به مدیریت های معارف ولسوالی ها جهت تطبیق آسان تعلیمات فراگیر در سطح ولسوالی ها.
- حصول اطمینان از ارائه تعلیمات فراگیر در تمام سطوح تعلیمی به شمول مراکزی که توسط مؤسسات غیر حکومتی اداره می شوند.
- حصول اطمینان از تخصیص عادلانه منابع به تمام مکاتب.
- حصول اطمینان از ارائه خدمات سیار ، خدمات مرکز منابع و خدمات اتاق های منابع در اماکنی که اطفال دارای نیازمندی های خاص آموزشی مشغول درس خواندن هستند.
- حصول اطمینان از اینکه پلان های تعلیمی انفرادی برای اطفالی که مشکلات خاص آموزشی دارند و نیز برای اطفال استثنایی وجود داشته باشند.
- ارتقای ظرفیت معلمان به صورت متداوم و سیستماتیک به سطح ولایات و ولسوالی ها از طریق مراکز تربیه معلم / دارالمعلمین ها.
- تقرر کارمندان مسلکی جهت ارائه رهنمایی ها به معلمان و مجامع مکاتب در ارتباط با تعلیمات فراگیر.
- هماهنگ ساختن برنامه های تربیه معلم قبل از شروع خدمت و داخل خدمت در بخش تعلیمات فراگیر.
- حصول اطمینان از استفاده خوب از ابزار بررسی در جریان جاگزینی شاگردان دارای معلولیت.
- نظارت و ارزیابی تطبیق پالیسی بدون تضعیف کیفیت.
- جمع آوری اطلاعات مربوط به اطفال دارای معلولیت ، آموزش های خاص ، برنامه های تربیه معلم قبل از شروع خدمت و داخل خدمت و نهاد های آموزش های فنی و حرفوی و شریک ساختن آنها با وزارت معارف.
- همکاری در ایجاد شوراهای منطقوی که در برنامه های دادخواهی و تطبیق پالیسی تعلیمات فراگیر کمک خواهند نمود.
- تشویق تحقیقات عملی در ساحة تعلیمات خاص و فراگیر.
- کار مشترک با سایر مؤسسات غیر دولتی ، اولیا ، مدیران مکاتب ، معلمان و شاگردان جهت ارائه مؤثر خدمات تعلیمات فراگیر.
- ترتیب و تنظیم برنامه های مبادلاتی ، کنفرانس های ملی و بین المللی پیرامون تعلیمات خاص و فراگیر تا تعلیمات فراگیر در افغانستان نیز پا به پای تعلیمات فراگیر در جهان حرکت کند.

(c) وزارت های سکتوری

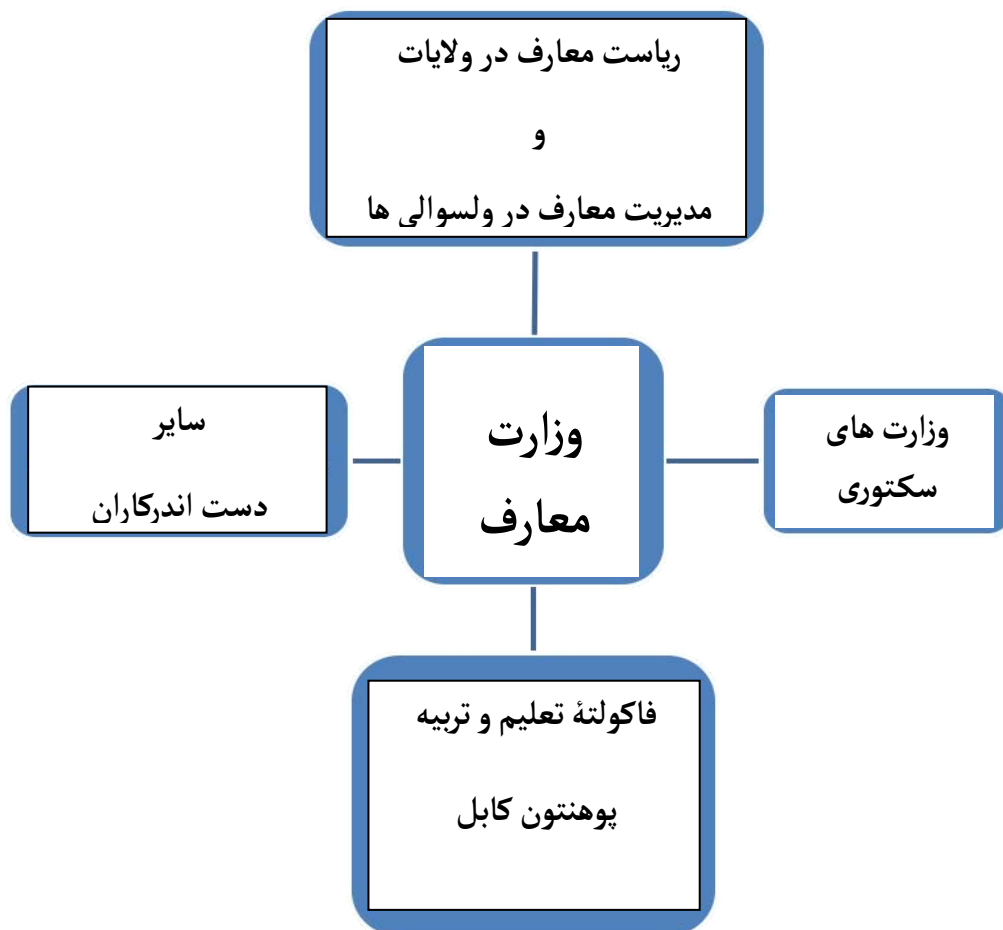
- وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین جزء گروه کاری تعلیمات فراگیر و دوستدار طفل خواهد بود.
- وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین مسوولیت استخدام و آموزش اشخاص محروم در مراکز آموزش های فنی و حرفوی را به عهده خواهد داشت.
- وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین مسوولیت طرح پالیسی های مناسب و قابل تصویب را که طرفدار استخدام اشخاص محروم باشند ، به دوش خواهد داشت.
- وزارت صحت عامه حصول اطمینان خواهد نمود که تشخیص زودهنگام اطفال دارای معلولیت بالای صحت شان اثرات منفی نخواهد داشت. وزارت مذکور رهنمایی ها و معلومات مورد نیاز را فراهم خواهد ساخت تا معلمان را در اجرای ارزیابی

دقیق و به تعقیب آن جاگزینی درست اطفال دارای معلولیت در مکاتب عادی کمک نماید. همچنان میکانیزم های تعقیبیه ویا رجعت دهی نیز ایجاد خواهند گردید.

(d) فاکولتهٔ تعلیم و تربیهٔ پوهنتون کابل و سایر پوهنتون ها

- ساختن نصاب درسی تعلیمات فراگیر که درخور نیازمندی های معلمان جوان و شاگردان دارای نیاز های تعلیمی خاص باشد.
 - فراهم ساختن فرصت های انکشاف مسلکی متداوم برای معلمان مجرب جهت تسهیل پیشرفت های بیشتر آنها در حیات کاری شان.
 - آغاز برنامه های آموزشی مدیریت و ادارهٔ مکاتب برای مدیران مکاتب ولایات و ولسوالی جهت پیشبرد مؤثر سیستم تعلیمی در کشور.
 - ابداع ، اجرا و تشویق تحقیقات عملی جهت غنای کار های عملی.
 - تهیهٔ ابزار معیاری گزینش و ارزیابی برای معلمان جهت استفاده در تمام مکاتب به خصوص برای اطفال دارای معلولیت.
 - برقراری ارتباطات با سایر پوهنتون ها در خارج از کشور جهت شریک ساختن تجارب و باخبر شدن از تازه های دانش در بخش تعلیمات خاص و فراگیر.
- همچنان لازم به تذکر است که در جریان مرحلهٔ تطبیق نیز یک سلسله چالش ها قابل پیشبینی هستند ، زیرا نیروی بشری کافی در بخش تعلیمات خاص و فراگیر در کشور وجود ندارد. سایر چالش ها را میتوان به ماهیت تخصیص وجوه دولتی ، نا امنی در بعضی از ساحات عملیاتی و زیربناها عطف نمود. اینها ساحاتی اند که باید بالای شان تمرکز صورت گیرد.

دیاگرام ذیل میکانیزم های هماهنگی را نمایش می دهد:



ضمیمه

کودکان با استعداد و نخبه

گروه سیزدهم

کودکان (اطفال) با استعداد و نخبه منحیت گروه سیزدهم، افراد منزوی

این مهم است که نباید اطفال با استعداد و نخبه خویش را فراموش نماییم؛ زیرا فراموشی این اطفال سبب به حاشیه کشاندن آنان در جامعه میگردد.

انجمن ملی اطفال با استعداد و نخبه، این اطفال را چنین تعریف مینماید: اطفال با استعداد و نخبه عبارت از اطفالی اند که دارای توانایی ویژه آموزشی میباشند و شایستگی خارق العاده در فراگیری یک سلسله فعالیت ها و مهارت ها، چون آموختن ریاضیات، علم موسیقی، زبان و نیز مهارت های حسی و حرکتی مانند نقاشی، ورزش و غیره داشته باشند.

²⁵ در حقیقت دانش آموزان با استعداد و نخبه میتوانند با شیوه درست آموزش، تعلیمات چند ساله را در یک سال فراه گیرند؛ و نیز در صورت گزینش شیوه های ویژه آموزشی و تشویق بر فعالیت های بیشتر ذهنی، این اطفال قادر اند تا استعداد خویش را الی سن بزرگسالی حفظ کرده و به عنوان دانشمند و مبتکر عرض اندام نمایند. در صورت عدم اتخاذ شیوه های درست آموزشی و تشویق فعالیت های ذهنی، اطفال با استعداد به مایوسی رو میاورند و اوقات ناخوشایندی را در صنف درسی سپری نموده و بالاخره منزوی میگردند. بدین منظور لازم است در افغانستان نیز تحقیقاتی صورت گیرد تا اطفال با استعداد و نخبه مشخص گردند.

²⁵ National Association For Gifted Children retrieved 27 February 2014 from <http://www.nagc.org/index2.aspx?id=574>

منابع / پالیسی ها و مآخذ مربوطه برای معلومات بیشتر:

چارچوب داکار برای عمل <http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001211/121147e.pdf> (UNESCO, 2000)

جعبه ابزار ILFE <http://unesdoc.unesco.org/images/0021/002142/214297e.pdf>

اهداف انکشافی هزاره (MDG's, UN, 2000)

<http://www.undp.org/content/undp/en/home/mdgoverview.html>

رهنمود های پالیسی راجع به تعلیمات فراگیر <http://unesdoc.unesco.org/images/0017/001778/177849e.pdf>

بیانیه و چارچوب سلامانکا برای عمل (UNESCO, 1994)

http://www.unesco.org/education/pdf/SALAMA_E.PDF

اعلامیه جهانی تعلیم برای همه (UN, 1990)

<http://www.unesco.org/new/en/education/themes/leading-the-international-agenda/education-for-all/the-efa-movement/jomtien-1990/>

کنوانسیون حقوق طفل سازمان ملل متحد <http://www.unicef.org/crc/> (UN, 1989)

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد (UN, 2006)

[http://www.nda.ie/cntmgmtnew.nsf/0/9515327CFCF84669802574C70032B07F/\\$File/NDAUN-EUSeminar.pdf](http://www.nda.ie/cntmgmtnew.nsf/0/9515327CFCF84669802574C70032B07F/$File/NDAUN-EUSeminar.pdf)